(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

یکنفر از نمایندگان - ششنفر باشد

رئیس - رأی میگیریم به شش نفر

بعضی از نمایندگان - از شعب

رئیس - اول رأی میگیریم بششنفر.

بعد از شعب . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

حاج عزالممالك - بنده پیشنهاد میکنم از شعب انتخاب شود.

محمد هاشم میرزا - بنده قبول میکنم از شعب انتخاب شود

رئیس - رأی میگیریم که از شعب انتخاب شود آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - چون تجزیه شد حالا باید مجدداً رأی گرفته شود بیك کمسیون ششنفری که از شعب انتخاب میشود. آقایانی تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای حائریزاده گویا از آقای وزیر عدلیه سؤالی داشتند ولی پیشنهاد شده است جلسه ختم شود

حائری زاده - من باختم جلسه مخالف نیستم ولی خوبست در اول جلسه آتیه بیایند.

دست غیب - بنده هم سؤال دارم و باختم جلسه هم مخالفم

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند جلسه ختم شود قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیش از اینکه آقایان تشریف ببرند باید چند دقیقه تشریف ببرید بشعب و اعضاء کمیسیون را انتخاب کنید.

جلسه آتیه روز یکشنبه . دستور اولا راپرت کمسیون مبتکرات نسبت بپیشنهاد آقای امیراعلم راجع بحفظ الصحه

ثانیاً راپرت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح آقای هرمزی در خصوص ودیعه استیناقی.

ثالثاً راپرت کمسیون مبتکرات درباب طرح آقای یدالله خان راجع بچمن کمال آباد.

رابعاً پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بتشکیل کمیسیون برای یك دست نمودن قوانین مملکتی

خامساً پیشنهاد آقای مشیر اعظم راجع بتشکیل کمسیون برای رسیدگی بجمع و خرج مملکتی. آقای سردار معظم

(اجازه)

سردار معظم - در جلسه گذشته برحسب تقاضائی که کردم و آقایان تصویب فرمودند قرار شد که تکلیف طبع و انتشار صورت مشروح مجلس معین شود. حالا بالاخره چندین مسائلی که خیلی دیرتر پیشنهاد شده است جزء دستور گذاشته میشود و این مسئله که اشکالی ندارد و بتأخیر میاندازند خوبست امر بفرمائید در جلسه آتیه اول دستور بگذارند که اقلا ردش بنمایند و تکلیفش معلوم شود.

رئیس - چون خیلی عقب افتاده است جلوتر از همه میاندازیم و اول دستور میگذاریم و مقدم خواهد بود برسایر موادی که گفتم.

آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض بنده اینست که زودتر تکلیف این کمسیون معلوم شود که تا روز یکشنبه راپرت خود را داده و جزء دستور شود

رئیس - عرض کردم پیش از اینکه تشریف ببرید بمنازل تشریف ببرید بشعبه‌ها و تکلیفش را معین کنید.

آقای دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا یحیی - بنده باحضور وزیر مالیه خواستم یك عرض بکنم که ایشان تشریف بردند.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس

(اجازه)

شاهزاده شیخ الرئیس - عرضی ندارم.

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - سؤالات راجع بوزراء.

رئیس - راجع بدستور است

دست غیب - بلی خواستم عرض کنم اطلاع بدهید بوزراء که روز یکشنبه بیایند و جواب سؤالات را بدهند این قدر که نمیشود بتأخیر انداخت

رئیس - دیگر اظهاری نیست؟ آقای هرمزی

(اجازه)

هرمزی - بنده یك تذکری میخواهم بدهم راجع بآقای معاضد السلطنه که ایشان دو ماه است وکیل شده‌اند و در وزارت هم باقی هستند.

رئیس - معاضد السلطنه جزء دستور نیست. آقای اخگر

(اجازه)

اخگر - از طرف کمسیون مبتکرات چهار فقره راپرت داده شده است سه فقره‌اش را جزء دستور مقرر فرمودید. بنده استدعا میکنم مقرر بفرمائید فقره دیگر هم جزء باشد.

رئیس - کدام راپرت.

اخگر - عرض کردم چهار فقره راپرت از طرف کمیسیون متبکرات تقدیم شده است سه فقره آن جزء دستور شده است استدعا دارم فقره دیگر هم جزء دستور بشود.

رئیس - راجع بچه موضوعیست؟

اخگر - راجع بتفسیر سه ماده از قانون استخدام است و کمیسیون آن هم معین شده است مقرر بفرمائید جزء دستور معین شود که بمجلس آمده و پس از آن بکمیسیون مراجعه شود.

رئیس - چون یك رأی کلی نسبت به قانون استخدام داده شده این هم جزء کل میشود. حالا اگر دوباره میخواهد برای آن رأی بگیرید ممکنست.

اخگر - چون قاعدتاً باید بمجلس بیاید از مجلس بکمیسیون مراجعه شود.

رئیس - ممکن است در جلسه دیگر اظهار کنید اگر مجلس خواست رأی میدهد.

آقای آقاشیخ محمدعلی تهرانی.

(اجازه)

آقاشیخ محمد علی - بنده تقاضا دارم که تا روز یکشنبه در صورتیکه کمیسیون نقاط کارش را تمام کرد مقدم بر همه لایحه نفت باشد.

رئیس - اگر تمام شد. آقای امیرحشمت

(اجازه)

امیرحشمت - تقاضا میکنم لایحه قانونی راجع بمحسوب نمودن مستمری و شهریه و مطالبات معوقه از دولت از باب بدهی مالیات که از شعب بمجلس فرستاده شده جزء دستور شود.

رئیس - اگر وقتی باقی باشد جزء دستور میشود.

امیرحشمت - یکی دیگر هم پیشنهاد راجع بقانون بلدیه است در تحت سه ماده آنهم مدتیست از شعب رسیده خوبست جزء دستور بگذارید.

رئیس - آنهم اگر وقت باقی ماند تذکر داده میشود. آقای حاج عزالممالك.

(اجازه)

حاج عزالممالك - عرضی ندارم.

رئیس - آقای تدین.

(اجازه)

تدین - بنده یك موقعی میخواستم تقاضا کنم که دو راپورت از کمیسیون بودجه راجع بحقوق تقاعد و مستمریهای صاحبمنصبان قدیمی وزارت جنك رسیده است جزء دستور شود ولی نوبت بمن نرسید و حالا که دستور پر شده است.

رئیس - برای جلسه روز سه‌شنبه قرار میدهیم. آقای عراقی.

(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده هم همین استدعا را میخواستم بکنم و قبل از آنکه صحبت دستور بمیان بیاید اجازه خواسته بودم ولی بنده اجازه داده نشد و حالا اجازه دادند.

رئیس - دیر ملتفت شدند. دیگر کسی اظهاری ندارد.

(گفتند خیر)

(مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك

منشی - معظم السلطان - م شهاب

جلسه ۳۲
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه هشتم
سرطان ۱۳۰۳
مطابق بیست و پنجم
ذی قعده ۱۳۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه پنجم سرطان را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای سپهدار راغائب بدون اجازه نوشته‌اند ایشان مریض هستند.

آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب آقای سپهدار یکماهه اجازه مرخصی خواسته‌اند کمسیون هم راپرت آن را تقدیم هیئت رئیسه نموده درست نمی دانم از نظر آقای رئیس گذشته است یا نه ؟

رییس - امروز رأی گرفته میشود صورت مجلس مخالفی ندارد؟

« گفته شد خیر »

رئیس - راپرت شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای ولیمیرزا مطرح است آقای مقوم الملك گویا مخالف بودند؟

مقوم الملك - یکی از شرائط وکالت امانت و درستکاری است بموجب فقره ششم ماده ششم قانون انتخابات وکلا باید معروف بامانت و درستکاری باشند و جای آنکه شاهزاده ولی میرزا کامل فاقد این شرط است.

امانت شاهزاده محمد ولیمیرزا در غارت مالیه آذربایجان و متروکات روسها اظهر من الشمس است

دوسیه انتخابات آذربایجان باین مطالب اشاره شده است ولی دوسیه های وزارت مالیه کاملا این مطلب را به ثبوت میرساند.

بلکه چنین خالصه که یکی از املاك ملی است بناظم العداله واگذار نموده.

میانج خالصه انتقالی که یکی از قصبات بزرك است کلیهٔ عایدات غیرمستقیم و قسمتی از عایدات مستقیم آن که راجع بدولت است بوسیله تصدی ایشان در مالیه آذربایجان چندین سال است از میان برود بدولت نرسانیده است. میان دوآب خالصه..

سالارلشکر - بی ربط میگوئید این طور نیست

(همهمه بین نمایندگان)

رئیس - چه شده است؟

تدین - شاهزاده سالارلشکر اظهار کردند بی ربط میگوئید باید حرفشان را پس بگیرند

سالارلشکر - پس میگیرم ولی میان دوآب نبوده است

مقوم‌الملك - بنده گمان میکردم اگر یك نماینده اجازه بخواهد وبیاید پشت تریبون آقایان باید اجازه بدهند که اگر اظهاراتی دارد بنماید بعداً گر شاهزاده هم اظهاری دارند اجازه بگیرند وبیایند اینجا اظهارات خودشان رابنمایند •

میان دوآب خالصه یك بلوکی است که بقدرخمسه عایدات دارد کلیهٔ عایدات غیر مستقیم وقسمت اعظم عایدات مستقیم آن را بوسیله غیر قانونی وغیر مشروعی میبرد سعی درو کالت این آقایان برای بردن عایدات املاك ملی ونپرداختن جزء جمع ومنال دولتی است •

باروق ششدانك ازخالصه‌جات جدید محمدعلی میرزائی است در بلوك آلان بر آغوش بدون اینکه ازوزارت مالیه اجازه گرفته باشد سه‌دانك این قریه را بتصرف دیگری داده وازطرف مدعی بدون مدرك و سند وکالت نموده درصورتیکه نماینده دولت و امین مالیه آذربایجان بوده است در هنگام تصدی مالیه خالصجات آذربایجان که قبل از ایشان بدون آفت باجاره رفته بود با بودن قانون تشکیلات مالیه بدون اجازه وزارت مالیه قریب سیصدهزارتومان تحقیقات داده مثال خالصجات کرمان که ازاملاك ملی است بوسیله آشنائی ایشان باصول واوضاع مالیه وطریقه استفاه منال آن املاك را که بقیمت بخس برده‌بودند بدون تصویب دارالشورای ملی ثبت نموده وبعدبمردم بیچاره کرمان بقیمت گزاف فروخته چون جزءجمع ثابت دارد •

فرداست که مالیه همان‌منال سابق را مطالبه خواهدنمود ووجه خریدارها ازمیان خواهد رفت •

جای دوری نمیرویم یافت آبادخالصه راباچهل فردگاو موجود و سه سنك آب واگذارشده بوسیله وکالت آقایان سه سنك آب‌سی سنك شده که سی‌هزارتومان قیمت دارد میبرند بدون تصویب مجلس شورای ملی ودرعوض‌وسفارخالصه که یکی ازاملاك ملی است ازبی‌آبی خراب شده است •

باری بطور اختصار عرض میکنم که یك مجلس تحقیق معین فرمایند بنده از روی دوسیه‌های‌مالیه‌ثابت‌میکنم که شاهزاده‌محمد ولی‌میرزا بیش‌ازصد کرور تومان سوای‌این مراتب معروضه خیانت بمالیه دولت نموده‌و کاملاناقد امانت‌ودرستکاری است

وکیل‌الملك مخبرشعبه - بنده ابتداء تصور کردم آقای مقوم الملك در جریان انتخابات میخواهند فرمایشی بفرمایند ولی درآنقسمت هیچ نفرمودند و مذاکرات را راجع بصلاحیت شخص پیش‌آوردندوبنده دراینجامیل نکردم راجع بصلاحیت‌شخصی چون‌اطلاعاتی ندارم حرفی بزنم ولی‌چون اشاره بدوسیه کردند وگفتند که دردوسیه یك‌قسمت از اینهاهست باینجهة‌بنده مجبور شدم‌عرایضی‌عرض کنم در دوسیهٔ انتخاباب آذربایجان هیچ همچوچیزی نیست شکایتی ازآذربایجان راجع بتمام نمایندگان آنجا رسیده بودونسبت بآقای محمدولیمیرزافقط نوشته بود که درمالیه آذربایجان افراط و تفریط نموده‌اند این استکه بنده عرض میکنم آقای مقوم‌الملك یك‌شرحی اینجا روی کاغذ نوشته بودندکه آنرا قرائت نمودند وبنده خیلی تعجب کردم که چطور ایشان‌میخواهند باشرحی که روی‌یك ورق کاغذ نوشته‌اند صلاحیت نمایندگی را از یکنفر سلب کنند در صورتیکه آن‌شخص دردورهٔ چهارم سمت‌نمایندگی داشته‌است ودرصورتیکه مسائلی‌را که‌اینجابیان‌نمودند هنوز برهیچ کدام محرز نشده است‌ومعلوم نیست صحیح‌است‌یانه بهترآین بود که‌آقای مقوم‌الملك یکماه قبل یادوماه قبل‌در عدلیه قسمتهائی که بشاهزاده محمدولیمیرزاراجع بخیانت بمالیه دولت نسبت دادند مطرح مینمودند وایشانهم حاضر شده محاکمه میکردند وهرچه مال‌دولت‌راثابت میکردند ایشان برده است پس میگرفتند وحالااگر هم فرض کنیم فرض محال که یکنفر یاچند نفرمال دولت راخوردند بااین حال سلب صلاحیت وحقوق مدنی‌ازآنهانمی‌شودزیرا سلب حقوقی مدنی‌یك چیز آسانی نیست وتادریك محکمه‌صلاحیت داری ثابت‌نشود سلب‌صلاحیت ازاو نخواهد شد•

رئیس- آقای ضیاءالواعظین•

(اجازه)

ضیاءالواعظین- بنده مخالفم•

رئیس- بفرمائید•

ضیاءالواعظین- بنده تصور میکنم شرط اعظم نمایندگی‌صلاحیت وکیل‌است پارلمان مرکز ثقل مملکت است بایدبرای مملکت خدمات شایسته کند اعتماد و ایمان ملت رابخودش جلب کند در صورتیکه نمایندگان‌محترم صلاحیت وکیل‌راازنظر محو کنند در صورتیکه نمایندگان محترم درست متوجه این‌نکته نباشند ممکن است توجه ملت‌از آنهاسلب شود• آقای مخبر شعبه فرمودند که‌درقسمت‌صلاحیت‌نبایدزیاد صحبت‌نمود• بنده اینطورشنیدم•

مخبر- خیربنده اینطور عرض‌نکردم.

ضیاءالواعظین - فرمودید قسمت صلاحیت چطور ؟

مخبر - حالا جنابعالی بفرمائید بعد عرض میکنم•

ضیاءالواعظین-دراینصورت بایدسعی کرد که همیشه نمایندگی نمایندگان‌را از نقطهٔ نظر صلاحیت نگاه کرد• آقای‌مقوم الملك اطلاعات کاملی ازوضعیات‌وزارتمالیه دارند ایشان بایك‌اطلاعات‌جامعی‌اسنادتهیه کرده وتقدیم مجلس شورایملی کرده‌اند

البته افکار نمایندگان • نمایندگانی که همیشه میبایستی خودرا بصلاحیت بین جامعه‌معرفی کنند• باید قضاوت کنند.اشکالی ندارد تقاضا کرده‌اند که کمیسیون تحقیق از طرف مجلس شورای‌ملی مجلس شورای ملی معین شود اسنادیکه ایشان تهیه کرده‌اند آن اسناد تسلیم کمیسیون شود بنده‌هم موافق هستم برای یك‌دفعه‌هم که باشد مجلس شورای ملی‌یك کمیسیون تحقیق معین کند اعتبارنامهٔ شاهزاده‌محمدولی میرزات به‌آن کمیسیون برود و درآن رسیدگی و مطالعه شود کمیسیون نظریات‌خودش‌رابمجلس‌شورای ملی تقدیم کند وبنده‌هم موافقم بااینکه کمیسیون تحقیق از طرف مجلس معین شود •

مخبر - بنده عرض‌نکردم در مجلس نمیشود درصلاحیت اشخاص حرف‌زدعرض کردم عدم صلاحیت وقتی درمجلس محرز میشود که در یك محکمه قانونی اشخاص محکوم شده باشندو وقتی که محکوم‌شدند ومعلوم شدصلاحیت‌ندارندممکن‌است‌ایشان رارد کرد• این‌را هم که فرمودند کمیسیون تحقیق معین‌شودراینهم‌بسته‌به‌رأی‌مجلس‌است ولی خوب بودآقای مقوم‌الملك این مسئله را بشعبه هم مراجعه میکردند•

رئیس- آقای محمدولیمیرزا•

(اجازه)

محمدولیمیرزا - بنده خیلی خوشوقت هستم که آقای مقوم‌الملك فهرست‌خودشان رانسبتاً اختصار داده بودند وبالاخره‌قائل نشده بودند که بنده با این جثه‌ضعیفم تمام آذربایجان را ملك‌شخصی و بلع کرده‌ام لذا این نقطهٔ نظرتشکرمیکنم ولی‌ازطرف دیگر متأسفم که پشت این تریبون آقای مقوم‌الملك اظهاراتی‌بفرمایند وبعداینطور جلوه‌کند که آقای ضیاءالواعظین هم مشتبه شوند آقای مقوم‌الملك اینجا یك چیزهائی فرمودند که ملك میان دوآب • یافت‌آباد • میانج‌وغیره ممکن بودتمام حدودوثغور آذربایجان‌ازیك‌طرف رودارس وازیك‌طرف کوه قافلانکوه را بگویند فلانکس‌بلع کرده واظهار کردند که آقایان‌قضاوت کنند و بنده را محکوم نمایند بنده‌قبلا خودرامحکوم‌میدانم•

شما ممکن بود بفرمائید آذربایجان را فلانکس‌بلع کرده‌ولی متأسفانه‌اینطور نیست ومسرور هستم از اینکه اشخاصی از سوابق بنده در آذربایجان اطلاع دارند وقتی این‌حرفهارا بشنوند مضحکه کرده و تعجب خواهند کرد که چگونه در مجلس شورای ملی‌یك چنین صحبتها ومذاکرات بی‌اساسی میشود حالا بنده یك عرایضی عرض‌میکنم وقضاوتش بازمنوطاست‌بنظریه آقایان •

در قسمت خالصجات فرمایشی را که آقای مقوم الملك فرمودند در آنموقع ایشان در جوشقان و نظر مشغول ممیزی بودند واطلاعی‌ندارند که مالیهٔ آذربایجان چه‌صورتی داشته است‌وتصورمیکنم از آن روزی که ورقه‌رأی مخفی‌نسبت بنمایندگی ایشان امضاءشد از آنروز ایشان اینطور عصبانی‌شدند واز آن روز تاکنون قریب بیست‌روزاست که میگذردچراسعی‌نکردند مدارکی‌بدست بیاورند •

اگرایشان دراین‌باب‌سعی کرده‌بودند حتی خود بنده هم حاضر بودم اطلاعاتی راجع بمالیه آذربایجان بایشان بدهم که اظهارات آنهامؤثر ترازفرمایشاتی‌بود که فرمودند بعلاوه درقسمت‌اول مأموریت‌بنده درآذربایجان فعال‌مایشاء ومختار کل‌نبوده ام بنده‌معاونت یك‌نفربلژیکی را داشتم و فرمایشاتی که فرمودند هیچ اساس نداشت راجع‌بملك چکه‌چین‌ناظم‌العداله که‌فرمودند بنده بایشان واگذار کردم همهٔ آقایان رفقای بنده که اینجا هستند میدانند که آنجا یك‌دوسیهٔ مفصلی‌دارد و این امر هم هیچ مربوط‌به‌بنده‌نبوده‌است آنجایك‌ملکی بوده‌است واین‌مسئله درموقعی بوده‌است که حکومت تزاری درمنتهی درجه‌قدرت بوده وطرفیت من‌هم‌باعث شد که بنده نتوانستم درآذربایجان باقامت خودادامه دهم وحتی یك روزهم‌صورت توقیفی‌بمن دادند و یك اشخاصی‌راتحریك کردند که ریختند در مالیه و اینها تمام منشأش مخالفت بنده با حکومت جابر آنزمان روسیه‌و کوشش بنده برای حفظ منافع‌دولت بود وراجع‌باینکه فرمودند کمیسیون تحقیقی انتخاب و بدوسیه ها رسیدگی کند عرض میکنم با بودن اداره مالیه با این عرض و طول و و مخصوصاً در این دو سال اخیر با بودن آقایان مستشارهای‌امریکائی جنابعالی‌اینقدر نمی‌توانستید که‌این مسئله رادر آنجامطرح نمائید تا بنده‌هم حاضرشده‌واشخاص دیگر هم‌بیایند رسیدگی‌وتحقیق نمایند تادر اینجا اوقات آقایان نمایندگان بدون‌جهت‌صرف یك چیزهای‌بی‌اساسی نشده‌باشد •

راجع بکرمان و یافت آباد چیزی عرض نمیکنم •

راجع بمیان‌دوآب تصورمیکنم آنجا را آقاندیده اندملك خیلی‌بزرگی است و بنده بآقا اطمینان میدهم که‌در عمرم بهیچ وجه در موضوع آنجا مداخله نکرده ام و اشتباهی که‌آقافرموده‌اند این‌است که‌در آنجا مایك قسمت املاکی داریم موروثی بنده هم ابتیاع‌نکرده‌ام وممکن‌است آقا پیشنهاد بکنند که آن املاك هم ضمیمه میان دوآب‌شود •

اما راجع‌به باروق مجتهد این مسئله دیگر مجسم میکند اسناد قویهٔ آقای مقوم‌الملك را که اینجا اظهار نمودند مدعی ملك باروق الانهم در طهرانست این ملك درسابق از املاك محمدعلی‌میرزا بوده است وسه دانك‌آن حالت معاوضه‌پیدا کرده است یعنی ششدانك‌آن متعلق به مرحوم مجتهد آقای حاج میرزا حسن طاب‌ثراه بوده است و سه دانك‌آن بین آنمرحوم ومحمد علی میرزا یك معاوضاتی

شده وموقعی که حکم شد املاك محمدعلی میرزا جزء خالصه شود از طرف اداره خالصه حکم کردند که سه دانك مرحوم حاج حسن آقا هم باید خالصه شود در صورتی که ایشان مدتها درصدد بودند که ملك‌خودشانرا ازخالصه دولت مفروز کنند وبطوری که شنیدم جدیداً دروزارت مالیه یك کمیسیون تحقیقی بنا بود تشکیل شود که تحقیقاتی در این باب نموده و به آن اسناد رسیدگی نمایند و بطوری که اخیراً هم شنیده‌ام گویا رجوع کرده‌اند باسناد خزانه دولت وازآنجا یك اسنادی بیرون آمده که‌کاملا برله ورثه‌مرحوم حاج حسن آقا بوده است گویا حکمش‌هم نوشته‌شده ودر اداره خالصه جریان اداری را طی کرده و رفته است برای امضای دکتر مبلسپو واین اطلاعی بود که چند روزقبل یکی از همکاران محترم بنده نماینده آذربایجان بمن دادند دیگر از فرمایشات آقای مقوم‌الملك بنده چیزی نفهمیدم فقط همین بود وممکن بود تمام‌آذربایجان‌بلکه از رود ارس هم عبورنموده ودرهمسایگی آن زنجانرا هم ضمیمه نموده بفرمایند من بلع کرده‌ام ولی اینها تمام صحبت است و بنده باکمال قوت قلب بحکمیت وقضاوت آقایان نمایندگان امیدوارم و یقین دارم دلائل سست وبی‌پایه‌آقای مقوم‌الملك بر قضاوت آقایان نمایندگان تأثیری نخواهد کرد وبنده باکمال سربلندی و سرفرازی انتظار قضاوت آقایان نمایندگان محترم را دارم •

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی‌است ؟

(گفتند کافی‌است)

رئیس - تقاضای رأی‌مخفی شده‌است قرائت میشود•

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورایملی

شیدالله ارکانه

ما امضاء کنندگان ذیل راجع به نمایندگی‌شاهزاده محمد ولی‌میرزا تقاضای رأی مخفی مینمائیم

(یکنفرازنمایندگان-چندامضاء دارد)

آقا میرزا شهاب - شانزده امضاء•

سردارمعظم - امضاء ها قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ضیاء الواعظین • ناصر الاسلام • عزالممالك• کاشانی• سیدیعقوب • شیخ عبدالرحمن• آقا میرزا شهاب• مقوم‌الملك یمن‌الملك• سلیمان میرزا • شریعتزاده• حاج میرزا علیرضا• شیخ فرج الله• میرزا آقاخان عصر انقلاب• یاسائی• الموتی•

رئیس - کی‌ها امضاهایشانرا مسترد داشته‌اند ؟

سردارمعظم - آقای حاج میرزاعلی رضا • آقاشیخ عبدالرحمن•

امضاء ها را یکمرتبه دیگر بخوانید

آقا سیدیعقوب - اجازه میفرمائید •

(باحرارت) چند مرتبه بخوانند در اینجا مگر رأی مخفی گرفته شد بنده عصبانی میشوم• دومای روس هم اینطورنیست هی مکررمکرر• • •

(صدای زنك• دعوت بسکوت)

رئیس - خیلی عصبانی نشوید•

آقاسیدیعقوب - اجازه میخواهم‌حرفم را بزنم بنده ازمیدان درنمیروم• •

رئیس -آقربایید قرائت شود برای اینکه بعضی امضاء ها را بنده نمی توانم بخوانم• • •

آقاسید یعقوب - اجازه‌بدهید عرضم تمام بشود•

شریعتمدار - اولا خاطرمحترم‌آقایان نمایندگانرا متوجه میکنم باینکه خوبست دراین اعتبارنامه ها مقتضیات سیاست را صرفنظر کنند• • •

رئیس - حالا موقعش نیست•

شریعتمدار - میخواستم عرض کنم خوبست اصلا این اعتبارنامه را از دستور امروز خارج کنید•

(همهمه بین نمایندگان)

رئیس - رأی میگیریم•

صولت‌السلطنه- استدعامیکنم‌بفرمائید مجدداً قرائت شود•

رئیس - امضاء شما که‌نیست•

صولت‌السلطنه - خواستم بدانم چند امضاء است•

رئیس - آقای مقوم‌الملك چندامضاء بوده است ؟

مقوم‌الملك - هیجده امضاء داشت•

(جمعی‌ازنمایندگان - قرائت شود)

(آقای رئیس امضائهارا بشرح ذیل قرائت نمودند)

ضیاء الواعظین • ناصرالاسلام • عزالممالك• کاشانی• آقاسیدیعقوب• الموتی م• شهاب• مقوم‌الملك• یمن‌الملك• سلیمان میرزا• شریعتزاده• علیرضا• شیخ فرج‌الله میرزاآقاخان عصر انقلاب• یاسائی•

رئیس - دیگرچیزی نیست•

صولت‌السلطنه - بنده‌هم‌امضاء میکنم

رئیس - خوب بنویسید بدهید

رأی میگیریم بوکالت شاهزاده محمد ولی میرزا - آقایانیکه تصویب میکنند گلوله سفید والا گلوله سیاه خواهند داد•

مخبر - اولا قبل از یك موضوع (اجازه میفرمائید) چندی قبل یك رأی مخفی گرفته شد دونفر ازآقایان بیرون با بنده مذاکره کردند حتی برخود بنده هم اشتباه شده‌بود استدعادارم توضیح‌بفرمائید مهرهٔ سفید را کجا ومهرهٔ سیاه را کجا باید انداخت•

رئیس - لازم است ؟

مخبر- بلی برای این که درسابق‌یك ترتیبی معمول بوده وحالاآن فرمول تغییر کرده چنانکه یك مهره ابتداء میاندازند توی ظرف چینی و یك مهره هم در توی کیسه وبعضی ازآقایان عقیده دارندکه مهره سفید شان را در این ظرف چینی بیندازند خوبست آقای رئیس توضیح بفرمایند تا همه‌آقایان‌ملتفت بشود•

زیرا لان بعضی ازآقایان دراشتباه هستند ازجمله‌آقای آقا شیخ فرج‌الله •

رئیس - حالا مهره میدهند آقایان رأی بگیریم عرض میکنم‌آقایانیکه وکالت شاهزاده محمد ولی‌میرزا را تصویب‌میکنند مهره سفیدخواهند داد وآقایانیکه تصویب نمیکنند مهره سیاه میدهند‌آقایان تشریف میآورند اینجا یکی ازآقایان منشی‌هامهرهٔ تفتیشیه بآقایان‌میدهند بعد تشریف‌میاورند بعد ازآنکه مهره تفتیشیه گرفته شد رأی خودشان را اعم ازسیاه یا سفید در این ظرف کوچك میاندازندبعدتشریف‌میاورند بالا مهرهٔ‌دیگری میاندازند درظرف‌بزرك بعد یك مهره دیگری که پیششان باقی مانده خواهند انداخت توی ظرف چرمی

(دراینموقع‌اخذ واستخراج آراء بعمل آمده ونتیجه بقرار ذیل‌حاصل آمد)

مهره تفتیشیه ۱۰۶ مهره سفید ۶۵ مهره سیاه ۳۸

رئیس - عده حضار۱۰۸ مهره‌سفید ۶۵ باکثریت تام تصویب شد

نمایندگی آقای نظام التولیه مطرح است آقای رئیس التجار مخالف بوده اند •

رئیس التجار- بنده چون یکقسمت راجع بطرزجریان انتخابات مشهد را در چندی قبل عرض کردم• • • •

تدین - بنده‌راجع باعتبارنامه‌تقاضائی دارم•

رئیس - تأمل بفرمائید صحبتشان را بکنند •

تدین - پس ازصحبتشان •

رئیس - پیش ازصحبت نمیدانم‌اگر نظامنامه اجازه‌میدهد• • •

تدین - خودشان قبول میکنند

(دراین‌موقع آقای‌رئیس التجار بمحل خود مراجعت نمودند)

رئیس -آقای‌تدین •

(اجازه)

تدین - بنده تقاضا میکنم که فعلا راپرت‌نمایندگی‌آقای‌نظام‌التولیه ازدستور خارج شود مقصودم‌این بود که میخواستم قبل ازفرمایش آقا عرضی بکنم

رئیس - رای میگیرم آقایانی که تصویب • • •

ازطرف نمایندگان - مخالفی ندارد.

رئیس - مخالفی ندارد ؟

(گفتند خیر)

ولی چون تغییردستوراست‌رأی‌میگیرم آقایانی که تصویب میکنند اعتبارنامه‌آقای نظام التولیه از دستور خارج شود قیام کنند •

(اغلب‌قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب شد•

نمایندگی‌آقای سردارنصرت مطرح است آقای الموتی مخالف بودند •

رهنما - بنده راجع بدستور عرضی دارم :

رئیس - بفرمائید •

رهنما- بنده‌تقاضا میکنم که ازدستور امروزخارج شود •

(ازطرف بعضی ازنمایندگان- مخالفیم)

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند که راپورت شعبه ۲ نسبت بوکالت‌آقای سردارنصرت ازدستورامروز خارج شود قیام فرمایند •

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد •

راپورت راجع بآقای امیر احتشام مطرح است آقای آقا میرزا شهاب‌الدین مخالف بودند

ناصرالاسلام بنده تقاضا میکنم اعتبار نامه ایشان هم از دستورامروزخارج شود

الموتی - بنده هم تقاضا میکنم که ازدستورامروزخارج شود•

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند راپرت شعبه یك راجع باعتبارنامه‌آقای امیراحتشام ازدستورامروز خارج شود قیام فرمایند•

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد •

آقای آقا میرزا شهاب‌الدین•

(اجازه)

آقا میرزا شهاب - (خطاب به‌آقای رئیس اسنادیکه از دوسیه استخراج شده مقررفرمائید بیاورند

رئیس- (خطاب به‌آقای‌شریعت‌زاده) تشریف ببرید‌آن اسنادیکه درشعبه است بیاورید بدهید به‌آقای‌آقا شهاب‌الدین

آقا میرزاشهاب - بنده قبل ازاینکه اوراقی که ازدوسیه راجع بجریان‌انتخابات بنم•

(که یکسال طور کشید) استخراج کرده ام حاضرشود میخواهم من‌باب‌تذکر به‌آقای مخبرعرض کنم انتخاباتی که‌احتمال میرود مغشوش یا مخدوش باشد بطور صراحت درخبریکه تقدیم مجلس میشود ننویسید تمام شکایات‌مراجعه ودقت شدهیچ قسم مدارکی که‌اثبات عرایض آنهارابکند نبوده است اینطوربااین صراحت ننویسند احتمال میرود یك اسنادی‌یك شکایاتی‌باشد که ثابت کند که انتخابات بروجه صحت نبوده است بنده یك قسمت‌اوراق‌ازدوسیه استخراج کرده بودم برای‌اینکه میخواستم آن اوراق را ایجابخوانم ولی‌حالاآقایان

اراطراف بنده مینویسند که بنده مختصر کنم ..

مدرس- شما نشنوید .

آقا میرزا شهاب- بنده هم مختصر میکنم ولی بنده یك وظیفه دارم چونکه وسیله شکایات اهالی هم که دراینمدت از انتخابات میکردند یك قسمتش خود بنده بودم ابتدای انتخابات بم شروع شد از کابینه آقای مشیرالدوله وخیلی خوشحال هستم که ایشان اینجا تشریف دارند واگر یك قسمتش هم در کابینه آقای مستوفی الممالك بوده است ایشانهم اینجاتشریف دارند میتوانند عرایض بنده را تصدیق نموده یا تکذیب بفرمایند وممکن است بنده خلاف واقع عرض کنم ولی وقتیکه ایشان بفکر خودشان مراجعه کنند یا بدوسیه وزارتخانه هامعلوم میشود وحالا که نباشد بنده بطور اختصار عرض کنم نقط همان اعتراضات قانونی که در انتخابات هم شده است وکم است و عبارت ازعملیات واقداماتی استکه درآنجا شده وحقیقةخیلی خوشوقتم ازاینکه آقایان تقاضا کردند که درمجلس تمام را نکوییم زیرا دربك مملکت آزادی این قبیل مسائل خارج ازآزادی است .

و همینقدر عرض میکنم که در انتخابات هم در ابتداء که آقای دیوان بیگی در آنجا حکومت داشتندیك انجمن نظاری تشکیل شد.

حالا چه وقایعی پیش آمدچه قضایائی اتفاق افتاد که موجب شددیوان بیگی را منفصل کردند.

دردفعه ثانی که رفعت السلطنه حکومت آنجا شد باز رفعت السلطنه همان انجمن نظاررا تصویب کرد و مشغول عملیات شد حالاچه عملی موجب شد که رفعت السلطنه هم منفصل شد نمیگویم.

در دفعه سوم آقای شوکت نظام به نیابت حکومت آقای سردار مجلس که داماد آقای سردار نصرت هستند دربم حکمفرما شد حالا از طرف خودایشان بوده بادستورانی بوده است بآن کار ندارم.

آن انجمن نظاریکه در ابتدا خود ایشان تصدیق کرده بودند حکومت اولیه هم که آقای دیوان بیگی باشد تصدیق کرده بود.

حکومت ثانی که آقای رفعت السلطنه باشد اینهم تصدیق کرده اند حکومت ثالث که آقای شوکت نظام باشد خودشان هم تصویب کرده اند.

معذلك نمیدانم چه قضایائی موجب شده است که آن انجمن نظار اولیه را بدون مجوز قانونی منحل کردند حالابنده چیزی عرض نمیکنم و هرچه میخواهند آقایان تصور بفرمایند آقایان یك انجمن نظاری در ثانی تشکیل دادند.

انجمن نظار ثانی هم بعضی هاشان حاضر شدند و گفتند علت انحلال انجمن اولی را ما نفهمیدیم این بود که استعفادادند.

انجمن سوم تشکیل شد حالاچه شده است آنها را بنده نمیگویم فقط همین قسمت را عرض میکنم که هرگاه آقای مخبر از دو سه شکایتی که شده است یك چیزی استخراج کرده اندویك مجوزقانونی برای انحلال انجمن نظارت اولیه که در بم ازطرف حکومت برخلاف قانون انتخاب شده بود بدست آورده اند به بنده هم بفرمایند تا بنده هم متقاعد شوم بنده که هرچه باین دوسیه مراجعه کردم چنین مجوز قانونی ندیدم بوزارت داخله و شعبهٔ انتخابات مراجعه کردم آنجا هم چیزی نفهمیدم بتلگرافاتی که بتوسط خود بنده و دیگران رسیده بود و همچنین در کابینه ریاست وزراءتمام اینجا ها را بنده مراجعه کردم یك مجوز قانونی برای اینکار پیدا نکردم دراستر آبادهم شنیدم یك همچو کاری کردندو دولت تصویب نکرد که انجمن نظار اولیه منحل شود وبدون مجوز قانونی انجمن دیگر بجای او معین شود.

(آقای سردار معظم با دست- تحصیل اجاره نمودند)

حالا که آقای سردار معظم اجازه میخواهند که از عملیات آنجا دفاع کنند بنده هم گوش بحرف آقایان نمیدهم و اجازه میخواهم عین دوسیه و احکامی را که ایشان داده اند که آنجا مردم را با قهر از تلگرافخانه خارج کرده اند بخوانم

آقای مشیر الدوله اینجا حاضرهستند که هی تلگراف کردند شکایت کردند که ایالت وقت نظریات خصوصی دراینکار دارد از اینجا ازطرف آقای مشیر الدوله و وزارت داخله تلگرافاتی شد و بالاخره گفتند مفتش بفرستید آقای دیوان بیگی را بسمت تفتیش فرستادند مردم دو مرتبه شکایت کردند که ما از آقای دیوان بیگی شکایت کرده ایم و ایشان را منفصل کرده ایم..

سردار معظم- اینطور نیست.

آقا میرزا شهاب- شما حق ندارید اینطور اظهارات را بفرمائید اینجا کرمان نیست. اینجا بم هم نیست اینجا مجلس شورای ملی است..

نصرت الدوله - اسنادرا بخوانید.

آقا میرزا شهاب- حضرت والا و آقای سردار معظم تصور میکنند اینجا کرمان ست.

بفرمائید این ۱ سنادا ست

(۱ ورقه عریض و طویل ارائه و روی زمین انداختند)

سردارمعظم- بخوانید. نیندازید

آقامیرزا شهاب- میخوانم. مختصرش هم هست. این است:

برای استحضار خاطر آن ذوات محترم اعتراضات و شکایات خودرا راجع بانتخابات عرض واظهارمیدارم:

در بیست و هشتم ذی حجه ۴۱ مطابق ۲۰ سرطان ۱۳۰۲ برحسب اجازه تلگرافی ایالت جلیله مطابق ماده ۸ و ۱۰ نظام نامه تحت نظارت آقای دیوانبیگی حکومت وقت انجمن نظارت بم با توافق نظر اهالی از اشخاص ذیل تشکیل شد:

آقای آقا شیخ محمد مجتهد. حاج شوکت الممالك. سالار اسعد. میرزا سید محمد خان. ناصر الممالك. آقامحمدعلی رئیس- التجار. آقای آقامیرزا عبدالله خان. آقای حاج شوکت الممالك از حضور در انجمن عذرخواسته بتصویب آقای دیوانبیگی معتمد- العلماء بجای ایشان تعیین شدند. سواد مراسله تحت شماره ۱ انجمن نظارت که به آقای دیوانبیگی مینویسد وهم سواد مرقومه تحت شماره ۵۰۷ مورخه بیست ودوم سرطان که آقای دیوانبیگی بانجمن نظارت جواب نوشته است کاملا رضایت خودرا از تشکیلات آنان و انتخاب هیئت رئیسه اظهارمیدارد در این بین آقای دیوانبیگی از حکومت منفصل و کفالت حکومت بم ازطرف ایالت جلیله برطبق تلگراف تحت شماره ۱۹۸۹ بآقای رفعت السلطنه واگذارشد درهمین حال برطبق مراسله کفیل حکومت مورخه ۳۰ سرطان و برطبق تلگراف شماره ۲۱۱۲ ایالت جلیله انتخابات را تعطیل مینماید.

ونیز درنهم برج اسد برطبق تلگراف ریاست جلیسله تحت ۲۳۸۶ ومراسله کتبی ایالت مورخه هفتم برج اسد تحت ۳۳۹۲ که امر بجریان انتخابات شده بود ودرمراسله مزبور دستوری برطبق نظامنامه هم تشکیل انجمنهای نقاط جزءو نمایندگانی ازطرف انجمن نظارت برای حوزه های نقاط جزءبا معلم انتخابات تصریح کرده اند آقای رفعت السلطنه هم برطبق نظامنامه ودستور ایالت انتخابات را بجریان انداخته واین مرتبه با توافق نظریات اهالی وحکومت وقت انجمن نظارت مرکب از همان اشخاص سابق الذکر که دونفر آقایان معتمدالعلماء ومیرزا سید محمدخان از عضویت انجمن استعفا نموده وبرحسب مراسله تحت ٤ کفیل حکومت آقایان آقا سیدعلی اکبر و آقاسید محمد بجای آنها تعین وعضو انجمن شدند و از تاریخ دوازدهم اسد انجمن تشکیل و دووه اعلان بیست روز مقرر میشود و معلمین انتخابات برای تشکیل انجمنهای نقاط جزء انجمن نظارت باتصویب حکومت محل برای نرماشیر سیدعلیخان که قبل هم آقای دیوان بیگی صلاحیت ایشانرا تصدیق کرده بودند وآقای رفعت السلطنه هم تحت ٥ صلاحیت ایشانرا تصدیق نموده وبرای حوزهٔ انتخابیه راین وطرود میرزا محمد خان را انجمن نظارت و کفیل حکومت تحت ٦ شایستگی اورا تصدیق نموده وبرای محل ده بکری ومرغك آقا سیدعلی اکبررا معرفی و کفیل حکومت تحت ۷ مأموریت ایشان را تصدیق مینمایند بنقاط مأموریت خود حرکت و انجمنهای جزءتشکیل ومشغول امرانتخابات شدند برطبق مراسلات ۱۸ و ۳ و ۲۱ و ۳۲ که انجمن نظارت مرکزی از معلمین واعضاء انجمنهای نقاط جزء معرفی نموده تحت ۱۰ آقای شوکت نظام صلاحیت ایشانرا تصدیق مینمایند. و برطبق مراسله تحت ۱۰ آقا میرزا غلامحسین خان را بسمت نمایندگی بانجمن نظارت مرکزی معرفی و بموجب اعلان از بیستم سنبله شروع بدادن تعرفه نمودند ودرتاریخ سوم سنبله شوکت نظام مراسله تحت ۱۲ بضمیمه تلگراف ایالت جلیله ۲۸٦٥ تغییر معلمین حوزه های انتخابیه نقاط جزءرا تقاضا نموده و این تلگراف ایالت جلیله مخالف ماده ٤٤ میباشد.

(بمن تلگرافش هم اینجاهست).

اخگر- این را که نوشته؟

آقامیرزا شهاب- جمعی از اهالی بم بامهرو امضاء. زیرا که دراینجا بکلی اختیار از انجمن نظارت سلب وبحکومت واگذار مینماید. (مطابق مدارك جوف که این اسناد باشد بنده عرض میکنم اگردر یك مملکتی انجمن نظارتی که معین میشود بناباشد استقلال نداشته باشدوهر روزبنیل حکومت تغیر کند آن انتخابات صحیح نیست) بطور اختصاص و نیز مخالف با دستور ۲۳۹۲ بلکه بکلی ضد آنست زیرا که در اینجا فقط اختیاررا در تعین معلم وتشکیل شعب جزء بانجمن نظارت واگذارد در تلگراف ۲۸٦٥ حکومت را یکسره ذی- مدخل وصالح در انتخاب معلم میداند بموجب این تلگراف.

شوکت نظام- (که حکومت سوم باشد) بر خلاف ماده ٤٤ تحت مراسله ۱۳ شمسعلیخان ونصرالله خان نایب منع جریان انتخابات مرغك ودهبکری را حکم میدهد درصورتیکه حکم توزیع تعرفه هم شده بود ونیز انتخابات نرماشیر که درجریان بود برخلاف ماده ٤٤ توقیف کردند وانتخابات خودبم مطابق دفتر (۱٦٦) ورقه تعرفه داده شده بود قهراً توقیف وانجمن نظارت را تغییر وانتخابات رالغو نمودند.

موادذیل ثابت میکند حق منع جریان انتخابات را نداشته اند:

۱- انجمن نظارت اولیه مطابق مدارك جوف بانظریه دیوان بیگی ورفعت السلطنه وشوکت نظام حکومت اخیر وتوافق نظر اهالی تشکیل شده بود چه قانونی حق داده است بدون شکایت انجمن را منحل سازند

۲- مطابق ماده ٤٤ قانون انتخابات با شکایت راجع بانتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان مانع ازجریان انتخابات نخواهد شد. کدام قانون اجازه میدهد درحین جریان انتخابات انجمن نظاری که بالغ بر هفتصد ورقه داده بودمنحل وانتخابات را لغوسازندوعلاوه اعتراضات وموادذیل مدلل میدارد که انتخابات اخیر برخلاف مقررات نظام نامه درجریان بوده وخاتمه داده شده

اول - انجمن نظارت برخلاف ماده ۲۱ نظامنامه بدون اعلان شروع بدادن تعرفه نمودند.

دوم - انجمن نظارت برخلاف ماده ۱۰ قانون انتخابات تشکیل شد زیرا که در انجمن نظار نه از طبقه تجار نه نه از اصناف نه از معتمدین محل کسی عضویت داشته است.

سوم - تعرفه هائی که داده شده اغلب دارای بعضی مهر میباشند (این را بنده اعتراض نمیکنم)

چهارم - ازبیست هزارنفر جمعیت بم که تقریباً چهار هزارنفر آنها حق گرفتن تعرفه دارند فقط سیصد وخوردهٔ تعرفه داده شده آنهم بزارعین ومستخدمین طبقه سردار مجلل

پنجم - انجمن نظارت نرماشیر سیار بوده است فقط در دهات سردار مجلل و اقاربش تعرفه داده و اخذ رأی نموده اند بقیه مردم را از این حق مشروع ممنوع داشته اند.

ششم - اعضاء انجمن نظارت چهارنفر آنها اخوان واقارب بلافصل سردار مجلل حکومت وقت بوده اند تقاضا داریم بموارد اعتراضیه رسیدگی کرده وجواب التفات فرمائید.

هفتم - برخلاف ماده ۳۵ اوراق رأی فوراً معدوم شده است. برای استحضار عین ماده ۳۵ را تذکر میدهم:

ماده ۳۵ بلا فاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینماید واوراق انتخابات را تاانحلال انجمن نظار محفوظ میدارد ودرآن هنگام درمعضر حکومت وحضورجمعی وجوه محل اوراق مذکور را معدوم میکنند باستثنای آنها که درمواد قبل ذکر شد باید ضمیمه صورت مجلس بشود.

برخلاف ماده مزبور آراء درتکیه در خودانجمن بدون فاصله بعداز تفکیك معدوم شده است

هشتم- برخلاف ماده ۳۸ پس ازتفکیك آراء دوسیه انجمن نظارت تسلیم اداره حکومتی شده است واین مخالف ماده ۳۸ است واین هم امضاءای اهالی محل است

این بوده است شرح خلاصه از جریان انتخابات آنجا وتمام اینها که عرض کردم بموجب تلگرافات ریاست وزراء عظام و تلگرافات وزارت داخله وهمچنین تلگرافاتی که مابین انجمن نظار بم وکرمان مخابره شده است. اینجا هست اگر آقایان تردیدی درصحت عرایض بنده دارند ممکن است تمام این اوراق را بخوانم تامعلوم شود که انجمن نظار مرکزی بم را برخلاف قانون که ایالت حق نداشته است انتخاب کرده است و اگر بنا باشد باین ترتیب رفتار شود هیچ انتخابی صورت نخواهد گرفت زیرا هرکس عضو انجمن شد بعد از آنکه فهمید که ریاست وزراء میتواند او را منفصل کند یا ایالت میتواند او را حبس یا تبعید بکند دیگر حاضر نخواهد شد مثل اینکه یکنفر از مأمورین را که بیکی از نقاط فرستاده بودند از آن محل تبعید کردند.

تلگرافی که بوزارت داخله میرزا زین العابدین خان کرده اصل تلگرافش اینجا هست.

در آنجا انجمن نظار چنانچه معمول است بدبختانه بواسطه اینکه اهالی دهات سواد ندارند و در هر موقع که میخواهند تشکیل انجمن فرعیه بدهند یکنفر شخص معلم که آشنابه ترتیبات نظامنامه و قانون باشد بایست فرستاده شود و برای آنجا هم در تمام نقاط مأمورینی بتصویب انجمن و بتصویب حکومت اول و دوم و سوم فرستاده شده ولی در موقعیکه دیدند آن انجمن نظار و آن مأمورین بدرد نمیخورند آن مامورین را معبوساً آورده و انجمن نظار منحل شد.

اهالی هم در تلگرافخانه متحصن شده بودند ۵۰ روز در آنجا متحصن بودند و تلگرافخانه بم هم خیلی کوچك ومحقر است و گنجایش سیصد چهارصد نفر را ندارد.

این بود که مجبور شدند در اطراف تلگرافخانه چادر زدند بعد از اینکه از طرف دولت بایالت تأکید میشود که قضایای بم را خاتمه بدهید و نگذارید که بیشتر از این دادو فریاد اهالی بلند شود ایالت می- گوید خودمن میروم دربم باهالی مژده داده شد که ایشان میایند به بم اهالی دادوفریادشان مجدداً بلند شد که ما از خود ایشان شکایت داریم خود ایشان میآیند برای احقاق حق ما این قضاوت غریبی است بالاخره تشریف میبرند به بم بموجب راپورت رئیس تلگرافخانه (من شکایت متظلمین را نمیگویم)

رئیس تلگرافخانه دولتی آنجا راپورت می- دهد که بقوهٔ قهریه و سرنیزه چادر متظلمین را از آنجا میکنند و مردم را متفرق می- کنند چرا برای اینکه میخواهند احقاق حق خودشان را بکنند.

برای اینکه زیربار وکیل تحمیلی نمیروند.

در تلگرافی که آقای سردار معظم میکند بیك مقامی میگوید آیا سزاوار است برای انتخاب ناظم التجار اغتشاش وقتل نفس دربم بشود.

بنده نمی فهمم. ناظم التجار گناهش چیست؟ اینکه از ابتدای مشروطه در راه آزادی فداکاری کرده است و همیشه مبغوض مرتجعین و دشمنان ایران بوده است وهمیشه در حبس بوده است. دچار تبعید بوده است چنانکه حالا هم اجازه رفتن به خانه و زندگی و عیال و اطفال باو داده نمی شود میگوید آیا سزاوار استکه برای انتخاب ناظم التجار درهره وره دربم قتل نفس و اغتشاش بشود؟

البته سزاوار نیست ایشان قضایا ووقایع دورهٔ سوم را شنیده بودند که بواسطه حکومتی که در آنوقت بوده (آقای سردار محتشم بختیاری) چه قضایائی پیش آمد که در بم برای انتخاب ناظم التجار ۱۲ نفر کشته شدند ولی باید فهمید چه چیز باعث میشود که مردم برای انتخاب ۱ نفر خودشان را به کشتن میدهند برای اینکه او را میخواهند ودیده- اند که او در راه ملت در راه آزادی و مشروطیت فداکاری کرده است از این جهة اورا خواسته اند و همچنین در این دوره هم اورا خواسته اند انتخاب کنند بلی سزاوار نیست قتل نفس بشود ولی نمیشود جلوی احساسات مردم را گرفت وقتیکه ایالت وقت و متنفذین میخواهند جلوی احساسات مردم را بگیرند و نمیگذارند آن اشخاص را که ازروی حقیقت مردم آنها را میخواهند انتخاب کنند و نمیگذارند بآزادی آن وکیلی را که پسندیده اند و باو عقیده دارند انتخاب کنند البته اغتشاش هم میشود قتل نفس هم میشود و بنده میدانم که آقای سردار معظم باآن بیانات فصیح و بلیغی که دارند عرایض بنده را تکذیب میکنند ولی آن وقت بنده هم اجازه میخواهم و میآیم اینجا پشت تریبون این تلگرافی که دلیل صدق عرایض بنده است و فرمایشات آقای سردار معظم را که در تعقیب عرایض بنده می- نمایند تکذیب میکند ودومرتبه برای استحضار خاطر آقایان میخوانم ولی حالا فقط راپرت تلگرافی رئیس تلگرافخانه بم را می- خوانم:

(راپرت مزبور بشرح ذیل قرائت نمودند)

راپرت ششم میزان قبل ازظهر بم چون تلگرافخانه عمارتی که کفاف متحصنین را بدهد ندارد در جنب تلگرافخانه قطعه زمین وسیعی است متحصنین ۱۲ باب چادر زده اند امروز از طرف ایالت جلیله مرقومهٔ خطاب بریاست تلگرافخانه بتوسط رئیس ساخلو خان باباخان اجزای خودفرستاده اند که متحصنین حق چادرزدن درخارج تلگراف- خانه ندارند باید چادرهای خود بکنند و از تحصن خارج شوند خلاف کننده تنبیه ومجازات خواهند شد.

یکی هم کسبه حق بستن دکاکین ندارند بروند بکار خود مشغول شوند (بنده نمیفهمم البته این حقی که از آنها سلب شده است جزوحقوق اساسی است) یکی هم اسناد انتخابات که در تلگرافخانه برسم امانت ازطرف متحصنین سپرده شده بگیرند ببرند متحصنین را به بهبهان آورده اند تا بعد چه پیش آید حسن تلگرافچی (البته مردم چکار باین فضولیها که در کار بزرگان دخالت کنند حقوق حق بخواهند. و بخواهند بآزادی وکیل انتخاب کنند.

باید بحلق آنها را فرو کنند آنچه را که متنفذین و ارباب انواع میخواهند دیگر این راپرت دوم استکه میخوانم:

(بشرح ذیل قرائت شد)

راپرت شب ششم میزان بم ایالت جلیله و ریاست قشون یك ساعت از شب گذشته وارد شدند چهار ساعت ازشب گذشته یا کتی محتوی ۱۵ ورقه اعلان خطاب بمتحصنین که هرکسی شکایتی دارد مواد شکایت را با معرفی شخص خود بایالت برساند رسیدگی شود. متحصنین مواد شکایات خود را ماده بماده نوشته بتوسط ریاست قشون فرستادند اقدامات بعدرا بعرض میرساند.

حسن تلگرافچی

حالا آیا اینها جزو صورت مجلس باشد بنده آن را ندیده ام صورت مجلس پیش آقای کازرونی مانده بود ایشان اشتباهاً نیاورده اند راپرت دوازدهم میزان را میخوانم.

دیشب پس از اقدامات قهرآمیز ریاست قشون ساعت ۸ از شب علی اصغرخان نایب آجودان بم تقی خان متحصن را چند توسری زده اصل اسناد و دوسیه انجمن نظارت انتخابات سابق را همراه برد متحصنین بکلی از تأمینات خود ازطرف تلگرافخانه مأیوس شده و میگویند اگر تأمینی دولتی نیست ما هم تقاص حق خود را مینمائیم بیشتر از این نمیتوانیم تظلم کنیم و کسی بفریاد ما نرسد و در تعقیب این یأس احتمالات دیگر هم میرود (همان چیزی که عرض کردم احتمال قتل نفس میرود) برای اجزاء تلگرافخانه هم بعد ها با وضعیات حالیه تأمین نخواهد بود ایالت هم بتقاضا های آنها که قسمت عمده راجع بتغییرات انجمن نظارت انتخابات بروجه صحت است وقعی نگذاشته انتخابات خود بم را از دادن تعرفه و گرفتن آراء در ظرف یکهفته خاتمه دادند (از موقعی که شروع کرده اند و رأی گرفته اند در ظرف یکهفته بوده است) بچهارصد تعرفه بنقاط اطراف هم دستور داده اند که در عرض یکهفته باید تمام شود محض اطلاع عرض شد.

حسن تلگرافچی

(اینهم تلگرافی استکه انجمن نظار همان انجمن نظار. که در مرتبه سوم بمیل خودشان انتخاب کرده اند ۲ نفر آنها برای رفع مسئولیت وجدانی وبرای اینکه در نزد خدا و جامعه مسئول نباشند تلگراف میکنند که عین تلگراف این است:

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ریاست الوزراء عظام کپیه وزارت داخله.

این جانبان اعضای انجمن نظارت تصدیق میکنم که انتخابات بم ونرماشیر برخلاف مقررات نظام نامه در جریان بوده. انتخابات امیر احتشام بروجه صحت و مطابق قانون نشده است اعتراضات اهالی ازسوء جریان انتخابات وارد تکلیف چیست یازدهم حمل ۱۳۰۳

زین العابدین . حسین

(زین‌العابدین و حسین اینها ۲ نفر اعضائی هستند که اخیراً معین شده بودند.

اینهم یك تلگرافی استکه همین طور پیش آمد که سردار معظم بوزارت جلیله داخله نوشته‌اند.

خود آقای سردار معظم تغییر انجمن را تصدیق کرده‌اند منتها دروقتی که می‌خواهند عرایض بنده را تکذیب بکنند باید مجوز قانونی داشته باشد والا این تلگرافی استکه تغییر انجمن را تصدیق فرموده‌اند

مقام محترم وزارت جلیله داخله

۴۰۸۵ سابق هم عرض شده استکه پس ازوصول شکایات از جریان انتخابات بم مفتش اعزام و مشارالیه بواسطه مراعات نشدن قانون عوض کردن انجمن نظارت را لازم دانسته.

انجمن اصلاح وفعلا مشغول دادن تعرفه می باشند اول میزان ۳۰۰۷ عبدالحسین ملاحظه بفرمائید مفتش انتخابات نه در آنموقع درست نظرم نیست آقای دیوان بیگی است یا کسی دیگر رفته است وجایز ندانسته آن انجمن دخالت کند البته انجمن که بخواهد بوجه صحت انتخاب جریان پیدا کند وبمیل والی فعال مایشاء عمل نکند باید عوض شود خیلی هم ارفاق درحق آنها شده است بلکه باید حبس و تبعید شود چنانچه یك نفر راهم تبعید کرده‌اند والان هم درضمن تلگرافاتی که خوانده میشود

بآنهم میرسیم و هر وقت هم آقایان خواستند تنفس شود خسته شدند بنده هم مخالف نیستم تلگراف دیگری است که میخوانم توسط آقای میرزاشهاب ـ ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

کپیه ریاست وزراء عظام کپیه وزارت داخله فجایع انتخابات امیراحتشام ما را ناچار مینماید. که مراتب شکایات خودرا تجدید خاطر آن ذوات مقدس را ازابتداء تاانتهای انتخابات بم وزرماشیر مستحضر بداریم مدارك کتبی که فعلا تقدیم شد سوء جریان انتخابات رامیرساند

درموقع تفکیك آراهم چهار نفر از بستگان سردار مجلل عضو انجمن نظارت مرکزی آراء بطوریکه اراده داشتند قرائت برخلاف ماده سی و پنج فوراً بلا فاصله آراء معدوم فوری هم معدوم میکنند که مبادا ایالت بخیال بیفتد که آراء را تفتیش بکند) سردار مجلل با اقتدار است حکومتی اعتبار نامه رامیخواهد قهراً امضاء نماید استرحاماً تقاضا داریم بعرایض مابیچارگان غور رسی امر بتجدید انتخابات فرمایند

راضی نباشید در قرن بیستم ودوره پنجم پارلمان ایران حقوق سی هزار نفوس باراده سردار مجلل پایمال شود در خاتمه تقاضا داریم بحکومت نه ساله سردار مجلل خاتمه داده و یکمشت رعیت را از چنگال این آدم نجات دهید از طرف اهالی بم اینهم یك راپرت دیگری است که از اداره انتخابات مرکز گویا نوشته شد است نمیدانم از مقام ریاست وزراء این راپرت را خواسته نوشته است یا ازجای دیگر بهرحال راپرت هم روی اوراق دولتی که نوشته اند وطرز انتخابات راخلاصه کرده‌اند این هم همینطور پیش آمد

رئیس ـ تقاضای تنفس شده مخالفی ندارم ؟

(گفتند خیر)

(دراین موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس ازسه ربع مجدداً تشکیل گردید)

آقامیرزا شهاب ـ میخواهم این مسئله راخدمت آقایان عرض کنم که بنده باآقای امیراحتشام یك سابقه سوئی ندارم که قصدم حمله بایشان باشد فقط برای ضبط تاریخ وقضاوت آقایان نمایندگان ناچار شدم که عرایض خودم راعرض کنم و از آقایانی که شاید تقاضای رأی مخفی کرده‌اند میخواستم استدعا کنم که رأی مخفیشان رایس بگیرند شاید اگر جریان انتخابات آقای امیراحتشام بهتراز این بود اول کسی که رأی بایشان میداد خود بنده بودم این یك راپرتی است که خلاصه انتخابات را از وزارت داخله مینوت کرده بکابینه ریاست وزراء فرستاده

خلاصه جریان انتخابات بم که از دوسیه ارسالی کابینه ریاست وزراء استخراج شده ذیلا بعرض میرساند درموقعی که انتخابات بم شروع می‌شود دیوان بیگی نایب الحکومه بوده مطابق قانون انجمن نظارت را تشکیل داده درحوزه مرکزی توابع اقدام مینمایند پس ازچند روز دیوان بیگی منفصل شده رفعة السلطنه نائب الحکومه میشود همان جریانرا ادامه داده بفاصله چند روز که مصادف باتوزیع تعرفه میشود رفعة السلطنه منفصل سردار مجلل بنیابت بم منصوب می گردد وشوکت نظام رانائب نائب الحکومه می کند.

مطابق تلگرافات واصل ازبم تمام طبقات شکایت ازانتصاب سردار مجلل می نمایند که درجریان انتخابات اخلال نموده ومأموریت مشارالیه در اثر قرارداد بین ایالت کرمان وامیر احتشام عضور وزارت خارجه است که در صورت انتخاب امیر احتشام سه هزار تومان باو بدهد

شوکت نظام کفیل حکومت بم برای نیل باین مقصود باانجمن ضدیت میکند و رفیعی را تبعید نموده است

دراین فاصله شکایات اهالی وتوضیحات ریاست بقدری است که ذکر آنها موردندارد در دهم سنبله ایالت تلگراف میکند مفتش فرستادم درپیستم سنبله خبر میدهد که مفتش انجمن سابق را قانونی ندانسته منحل کرده وانجمن جدید برای مخفی طبقات تشکیل داده مشغول اقدام هستند

اهالی بم از این اقدام شکایت کرده درتلگرافخانه متحصن میشوند حتی عده‌ای ازانجمن ثانوی هم جزء متحصنین بوده که ایالت بمفتش اجازه میدهد که اگر عضویت خود را ادامه ندهد بجای ایشان دیگری تعیین شوند و انجمن ثالث تشکیل عملیات را ادامه می‌دهند چون وصول شکایات فوق العاده طغیان میکند

ایالت حرکت کرده به بم میرود در مقابل متحصنین مأمورین ایالت بنای بی اعتدالی را گذارده چادرهای آنها را میکنند وبه امر ایالت رئیس قشون برای تعرفه اشخاص بتلگرافخانه رفته رفعة السلطنه را دستگیر مینمایند که اداره تلگرافخانه مرکز دراین باب برئیس دولت وقت اعتراض مینماید و ضمناً یکدسته هم برخلاف متحصنین اولیه در تلگرافخانه متحصن شده از ایالت و انجمن وانتخابات اظهار رضایت می نمایند بالاخره درموقعی که اخذ آراء هم شده بود انتخابات آنجا توقیف میشود مفتش میآید متحصنین از تلگرافخانه خارج ومقرر می شود که معاضد اعظم کارگذار برای تفتیش برود ولی دوسیه حاکی از اعزام مفتش نیست وقضیه بهمانحالت باقی است وایالت در تلگراف رمز بیست و هفتم قوس به وزارت داخله میگوید :

(انتخابات حوزه بم تمام شده آراء در صندوق معطل ومعلوم نیست بچه علت انتخابات آنجا که فقط باید آراء استخراج شود درحالت توقیف است)

بعداز آنکه انجمن اولی را منحل می کنند انجمن ثانوی هم که تشکیل میشود اوراهم منحل میکنند و انجمن ثالث را به میل خودشان تشکیل میدهند وبعداز آنکه عملیات انجمن اولی را لغو میکند دومرتبه شروع بدادن تعرفه میکنند ودریك حوزه دوهزار نفر جمعیت دارد (مطابق تخمینی که برای انتخابات زده شده است برای هرصد هزار فرجمعیت (یکنفر وکیل منظور وپیش بینی شده است) وهمچو حوزهٔ یك آراء مختصری در بم بشرحی که آقایان مستحضر شده‌اند بوسیله انجمن توزیع می شود بعداز آنکه شکایات زیاد طغیان میکند ومردم هم از تلگرافخانه خارج نمی شوند آنوقت برای رفتن مفتش امر به تعطیل انتخابات میدهند که انتخابات تعطیل باشد تا مفتش برود

بموجب همین دوسیه درهیجدهم میزان ازطرف مقام ریاست وزراء امر بتوقیف یا تعطیل انتخابات صادر می‌شود (انتخابات حوزه مالی که مربوط به بم نبوده وشاید هم جریاناتش تمام شده بود توصیف میکند واز هیجدهم میزان تابیست وچهارم میزان که شش روز بعداز هیجدهم باشد انتخابات بم را تمام میکند واین یك مسئله ایستکه آقای سردار معظم حالا خواهند گفت :

من جداً تکذیب میکنم ولی عرض میکنم مطابق این تلگرافات ثابت میکنم تابیست وششم میزان انتخابات بم را ادامه میدهند تمام میکنند صورتجلسه این جا نیست ولی آقای کازرونی حاضر فرستادند بیاورند که من در اینجا بخوانم شاید درآنجا تذکر داده باشد زیرا بنده هنوز صورت مجلس را ندیده ام مضمون اینست انتخابات را ادامه میدهند و آراء که مطابق میل خودشان هست بصندوق وارد می کنند.

یك موقعیکه از آنجا خبر میرسد که آراء بم استخراج شد و در نتیجه وکالت آقای امیراحتشام با کثریت هزار رای و هزار رای سه هزار رأی تصویب شد و کابینه کنونی از طرف وزارت داخله و حکومت بم سئوال میشود بااینکه انتخابات بم توقیف بود؛ قرار بود مفتش برود در این موضوع تفتیشاتی بکند چه شد که انتخابات آنجا ازتوقیف خارج وآقای امیر احتشام وکیل شدند؟!

حکومت جواب میدهد برحسب امر ریاست وزراء عظام توقیف رفع شد در صورتیکه مطابق یك تلگرافی که اینجا خواندم وبموجب چندین تلگرف دیگر اینجا موجود است.

آقای سردار معظم کراراً تلگراف میکنند بوزارت داخله که علت توقیف انتخابات بم که خلاف قانون است چیست بایشان جواب داده میشود برای مشکلات که در انتخابات آنجا پیش آمده (یك قسمت آن دراول راپورت ذکر شد) همچو صلاح دید که تا آمدن مفتش مخصوص انتخابات آنجا توقیف باشد وبالاخره استناد حکم ریاست وزراء انتخابات آنجا را ازتوقیف خارج ویك آرائی بترتیبی درآن تلگراف خوانده شد استخراج کنند و اینهم یك اعتراض دیگری است زیرا دولت اگر بحق یاناحق انتخابات توقیف کرده است از یك مجرای قانونی بوده است اگر میگویند توقیف انتخابات بر خلاف قانون بوده است وفرضاً دولت یك کلمه خلاف قانونی داده است میبایست همان اول نپذیرید وایشان اگر اینقدر وقت شناس بودند میبایستی همان اول حکم خلاف قانون را نپذیرند ولی بعداز آنکه پذیرفتند دیگر نمی توانستند باستناد تلگراف رمز یا کشف انتخابات را بجریان بیندازند زیرا هر کاری یك مجرائی دارد ومجرای انتخابات هم وزارت داخله واداره مرکزی انتخابات است.

در اینصورت خوب است ایشان با تلگرافی از اداره انتخابات وزارت داخله ارائه بدهند که بایشان اجازه داده باشند که انتخابات توقیف شده را (بعقیده ایشان برخلاف قانون است) ازتوقیف خارج کنند و بجریان بیندازند. همچو تلگرافی نیست.

بلکه بعداز آنکه آن تلگراف میآید وزارت داخله ازایشان سؤال بلکه اعتراض میشود که این انتخابات توقیف بوده برای چه شما آراء را استخراج کرده و خوانده اید ؟!

بنده از آقایان نمایندگان که حافظ ناظر قانون هستند استعلام میکنم که آیا یك ایالتی میتواند در یك امر قانونی که یك مجرای قانونی دارد باستناد امر ریاست وزراء یك چنین کاری را بکند؟!

نه میتوانید. بنده اگر در کرمان باشم بامر ریاست وزراء عظام میتوانند بنده را توقیف بکنند.

ولی در یك کاری که ما میخواهیم نتیجه آن یك امر قانونی باشد و درنتیجه آن یك نفر بوکالت مجلس شورای ملی معین شود در یك چنین کاری نباید برخلاف قانون رفتار کرد و نمیتوانند از مجرای غیرقانونی وارد شوند.

بنده عرض میکنم در یك همچو جائی تلگراف ریاست وزراء موثر نیست البته ایالت باید اوامر ریاست وزراء را برطبق قانون اطاعت کند و مطابق احکام ریاست قانون خود رفتار کند ولی در کاری که ماحصل و نتیجه او یك امر قانونی است استناد و توسل بحکم ریاست وزراء صورت قانونی ندارد زیرا مجرای انتخابات وزارت داخله و اداره مرکزی انتخابات است

بعقیده بنده یکی از چیز هائی که باید ایشان توضیح بدهند همین است که بعداز توقیف چه شده که آراء خوانده شده! و آقای امیراحتشام انتخاب شدند و آن آراء هم همان روز سوخته و معدوم شد و بموجب کدام یك ازاوامر مراکز صلاحیت دارد انتخابات را بجریان انداخته‌اند

این هم یك ورقه دیگری است توسط آقای میرزا شهاب ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه آقای ناظم التجار کرمانی پس از تبریك صمیمانه لازم است خاطر آن ذوات محترم را از انتخابات دوره پنجم پارلمان ایران مستحضر بداریم دوره اول ۰ دوم ماملت دورازمرکز از سعادت انتخابات وکیل محروم دوره سوم بواسطه اعمال غرض یکدسته اعیان که سردسته آنها سردار مجلل است در عوض انتخابات وکیل سبزده نفر قربانی ۰۰ هزار تومان جریمه بجرم اینکه باآراء اعیان موافقت نکرده داده دوره چهارم وکیل خصوصی پسر سردار نصرت بااقتدارات حکومت بنام ملت هم بدست سردار مجلل انتخاب دوره چهارم پسری انتخابات پنجم فجایع دوره سه وچهار را تجدید بانفوذ حکومتی بضمیمه تقویت ایالت انتخابات را در حین جریان لغو انجمن نظارت را قهراً منحل ازاقارب سردار مجلل انجمن تشکیل نتیجه را تحصن پنجاه روز هیجدهم میزان حسب تلگراف ریاست وزراء انتخابات توقیف تابیست و چهارم میزان انتخابات را ادامه برخلاف مستخدمین خود آرائی اخذ ودر صندوق ریخته دلیل بر تصدیق مراتب معروضه مدارکی است پستاً تقدیم استرحاماً تقاضا داریم تاوصول اسناد اعتراض انتخابات را از توقیف خارج نفرموده یابرائر توقیف امر به تجدید فرمایند ۰ این هم یك شرحی است که از مجلس بوزارت داخله مینویسند:

وزارت جلیله داخله

بشرح تلگرافی که مواد آن لفاً ارسال می‌شود بامضاء جمعی از اهالی (بم) توسط آقای میرزا شهاب نماینده محترم راجع بسوء جریان انتخابات منحل وانحلال انجمن اولیه وتشکیل انجمن نظارت ثانوی شکایتی رسیده چون بایستی جواب شافی به متشکیان داده شود مقتضی است علت انحلال انجمن اولی را اطلاع دهند.

از این شرح همچو معلوم میشود که مقام محترم ریاست مجلس هم انحلال انجمن اولیه را تصدیق نفرموده‌اند باز این هم یك شرح دیگری است : توسط وزارت جلیله داخله مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

اگر چه ناله‌های جگرخراش اهالی بم ازسوء انتخابات این حدود فضای مرکز را پر کرده است ما چندنفر که بحکم متنفذین بنام انجمن نظار این انتخابات غیرآزادانه را انجام داده ایم وجداً داخل نمیشویم که حقوق صدهزار نفر بادست ما پایمال شده این مظلمه بزرك که غصب حقوق ملی است بردوش خود حمل نمائیم لذا برای ادای وظیفه عرض میکنم انتخابات بم بر خلاف قانون با تهدید و تطمیع انجام گرفته و ابداً دارای هیچ گونه صورت قانونی نبوده است ۰ زین‌العابدین ۰ حسین. و اتفاقاً دو نفر از اعضاء انجمن اخیر که خودشان آنهارا معین کرده‌اند بطوری که مهرشان در اینجا هست این اوراق شکوائیه را تصدیق کرده‌اند وبعلاوه این ورقه بامضای یکی از علماء بم است و درآن دو نفری که عدم صحت جریان انتخابات بم را تصدیق کرده‌اند بطوریکه عرض شد از انجمن نظار اخیر هستند که خودشان انتخاب کرده‌اند. گرچه حالا خواهند فرمود اکثریت تصویب کرده ولی بعداز آنکه محرز شد انحلال انجمن اولیه یك مجوز قانونی داشته است آنوقت البته اگر گفته شود اکثریت تصویب کرده بنده هم حرفی ندارم.

رئیس ـ آقای دولت آبادی پیشنهاد کرده‌اند چون این صحبت خیلی طولانی است وآقایان وزراء هم برای جواب حاضر شده‌اند مذاکرات آقای آقا میرزا شهاب را قرائت بقه این دوسیه بماند برای جلسه بعد

بعضی از نمایندگان ـ خیر باید امروز تمام شود)

رئیس ـ تصویب نمی فرمائید؟

بعضی از نمایندگان رأی بگیرید

رئیس ـ رأی میگیریم ـ آقایانیکه پیشنهاد آقای دولت آبادی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

سردار معظم ـ بنده یك پیشنهادی دارم ممکن است تقاضا کنم که جلسه امروز عصر باشد؟

رئیس درموقعی که می‌خواهیم جلسه را ختم کنیم ودستور را معین نمائیم آن وقت پیشنهاد بفرمائید

وزیر معارف پارسال درضمن بودجه وزارت معارف بطور معمول سنواتی تصویب شده بود که حقوق بعضی از مدیران مدارس وناظمین بعلاوه حق التدریس بآنها داده شود چون بطوریکه معمول سنواتی بوده آنها یك قسمت حقوق مدیری و ناظمی داشته اند ویك قسمت هم حق التدریس داشته اند. وهمینطور هم در بودجهٔ تنگوزئیل تصویب شده وچند ماه هم پرداخته شده است بعد درموقع عمل وزارت مالیه اشکال کرده است که بمدیران و ناظمین حق تدریس نمیشود داد زیرا آن یك شکل دیگری است ولی در هر حال مطلب را موکول بافتتاح مجلس شورای ملی کرده اند که بعد ازافتتاح مراتب بمجلس عرض شود. و تابرج بعدی را هم داده اند بعد درآنموقع که مجلس شورای ملی مفتوح شد وزارت مالیه آنچه را که بعنوان حق التدریس میپرداخته بود ازحقوق سه برج اخیر آنها کسر کرده است البته تصدیق میفرمائید که حقوق آنها مطابق بودجه سنوات گذشته بآنها میرسیده اگر وزارت مالیه قبلا تذکر داده بود که این حقوق را نمی‌شود داد از اول سال ممکن بود یك چاره کرد ولی معلمین وناظمین باستناد همان حقوقی که داشته اند مشغول تدریس شده و زحمات خود را کشیده اند در این صورت حالا حقیقتاً انصاف نیست باآنکه آنها زحمات یکساله خودرا کشیده اند وادامه داده اند حق تدریس بآنها داده نشود.

دربودجه امساله این مسئله پیش بینی شده و امید است دیگر اشکالی پیش نیاید ولی برای سال گذشته وزارت معارف پیش نهادی می کند که مجلس شورای ملی تصویب بفرمایند مبلغ چهار هزار وهشتصد و کسری حق التدریس این چند برج در حق آنها پرداخته شود.

رئیس آقای رهنما

(اجازه)

رهنما موضوع سؤال بنده راجع به دستگاه مخفیه رادیوالکترولوژی است که مدت شانزده ماه است واردطهران شده برای استحضار خاطر آقایان عرض می کنم این دستگاهی که برای مریض خانه دولتی خریداری شده یکی ازکارهای بسیار خوب دولت است زیرا بوسیله این ماشین دکتر متخصص آن موفق میشود که خیلی از امراض مهم را تشخیص دهد وبرای معالجات گوناگون وعکس انداختن وتشخیص بعضی از امراض داخلی از قبیل سرطان وغیره این ماشین بسیار مفید است قریب شانزده ماه است که این دستگاه وارد طهران شده وچون یك اسباب هائی دارد که بسیار حساس است واسباب‌های اورا هم هنوز سوار نکرده‌اند وهمینطور درتوی قوطی‌ها پیچیده شده در گوشه هریض خانه افتاده و معلوم نیست چه صورتی خواهد داشت

دولت دکتر حبیب را که متخصص این کار بود مأمور خرید این دستگاه کرد واوهم رفت وخرید ودرچند قوطی ازراه بغداد وارد طهران کرد و ازآنوقت تا بحال که شانزده ماه می گذرد توی قوطی ها مانده و اصلا معلوم نیست چه صورتی پیدا کرده است در حالیکه اگر این دستگاه را بازمی کردند برای مردم فقیر مخصوصا خیلی مفید بود ۰ الان یك دستگاهی خود دکتر حبیب دارد که براه است که در موقع بکار انداختن از فقرا بیست تومان حق المعالجه می گیرد درصورتی که آن دستگاه را اگر سوار کنند شاید سه چهار تومان باید بدهند وهمان دکتر متخصص اینکار مدعی است که اگر این دولت درمریض خانه بکار بیفتد اغلب از امراض که بیشتر فقرا مبتلا هستند و به خوبی وبزودی معالجه میشود ودرآنوقت دولت بموجب تلگرافات خود دکتر حبیب را برای اینکار استخدام کرد وقرار شد اوراکنترات کند بنده حالا ازآقای وزیر معارف سئوال میکنم که درباره این ماشینی که بالغ بر بیست هزار تومان واردطهران شده است چه تصمیمی اتخاذ کرده است آیا همانطور در قوطی ها پیچیده شده است یا اورا باز کرده وبکار انداخته‌اند

وزیر معارف ـ همانطور که نماینده محترم فرمودند این ماشین تقریبا هفده ماه است وارد شده است ودارای پنجاه وچهار صندوق میباشد که درمریض خانه دولتی است وبیست وپنجهزار تومان هم وارد شده نه بیست هزار تومان.

بنده ازمحسنات این ماشین چیزی عرض نمیکنم اینکه یك قسمت را خودشان فرمودند ویك قسمت را هم درضمن عمل باید دید وخود دکتر حبیب هم یك همچو ماشینی دارد ـ ولی ماشین دولت فوق العاده مکمل است و مفید فواید عظیمه خواهد

بود وعلت تأخیر براه انداختن ماشین دو چیزاست یکی اینکه پارسال شش هزار تومان دربودجه معارف برای تهیه مکان این ماشین درمریضخانه دولتی تصویب شده بود این شش هزارتومانرا بتدریج ازمالیه گرفتند وخرج کردند وفقط هفتصدهشتصد تومان دیگرازاین محل باقیست ولی ما بین وزارت معارف ووزارت مالیه مشکلاتی تولید شده است و وزارت مالیه میگوید که سی تمام شده ونمیشود این پول را داد لهذا بنده مشغول مذاکره با مالیه هستم وانشاءالله این مشکل را رفع خواهم نمود مشکل دیگرراجع بکثر است خود دکتر حبیب الله است بطوری که فرمودند دکتر حبیب الله است بطوری که فرمودند دکتر حبیب متخصص این فن است وامروز در طهران کسی بغیرازاو نیست که بتواند این ماشین را براه بیندازد البته خود دولت یك طبیب متخصص را بهرطور مقتضی است اوراراضی و کنترات کندولی دراین کنترات کندولی دراین کنترات یکی دوفقره تعهدات مالی نسبت بآتیه هست زیرا طبیبی که مشغول این کاراست درمعرض خطراست بطوری که باندك غفلت و بمحض صدمهٔ که ببعضی دستگاههای سربی وپارهٔ چیزهای دیگر وارد آید حیاتش درمعرض خطراست از این جهت دکترحبیب درضمن کنتراتش شرط میکند که اگردرسر اینکار اتفاقاً مرد بعداز وفاتش دولت ده هزار تومان بورثه او بدهد ویکی دوفقره دیگر هم هست البته دکترحبیب تبعه ایرانست و خود دولت میتواند کنتراتاورا امضاء کندولی نسبت باین دوفقره تعهدات مالیکه راجع بآتیه است البته شرط احتیاط مقتضی است که مجلس شورای ملی هم تصویب کند کنتراتاو تقریباً باموافقت طرفین تمام شده و بنده بمجلس خواهم آورد و عجالتاً هم مشغول تهیه محلی برای این ماشین هستیم اما راجع بقسمتی که فرمودند شاید بعضی ازاسبابهای اودرصندوقها خراب شده باشد بنده مخصوصاً چند روزقبل باحضور خودد کترحبیب فرستادم وآن ماشین را معاینه کردند یکی دوفقره چیزهائی دارد که شکسته است ازجمله چراغ اواست و هم چنین بعضی اسبابها است که باید یدکی داشته باشد که ازاول نخریده اند قیمت خرید کسری آنها هم تقریباً دوهزارتومان میشود که باید سفارش داده شود که بیاورند وتا محل آن درمریضخانه تمام شود واسبابها را سوار نمایند دوسه ماه طول خواهد کشید ودربین این دوسه ماه کسری ونواقص آن ازفرنگستان خواهد رسید .

رئیس- آقای سردارمعظم از وزرات عدلیه سؤالی داشتند؟

سردارمعظم - موقع سؤال بنده منقضی شده است.

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب هم سؤالی داشتند؟

حاج میرزا عبدالوهاب - سؤال از وزارت عدلیه را میفرمائید یا از وزارت مالیه .

رئیس- ازوزارت عدلیه .

حاج میرزا عبدالوهاب - درچندسال قبل که تأسیس محکمه استیناف درهمدان شد درآنجا رئیس سابق استیناف مبالغی ودایع مردم راگرفته وقبض شخصی بمردم داده وبخرج دولت هم نیاورده و معلوم نیست آنپولها چه شده .

خواستم ازآقای وزیرعدلیه سؤال کنم که آیا قبض صحیح است؟

یا باید قبض اداری یا ازطرف مالیه باشد؟ودیگراین که وجه مأخوذی بصندوق مالیه رسیده یا خیر؟ واگررسیده مقدار او چه قدراست ؟ ودرمقابل این وجوه بصاحبان وجوه چیزی داده شدیانه؟ وبالاخره بخرج دولت آمده استیانه؟ واگربخرج آمده در کدام دفتراست ومقدارآن چقدراست؟ودولت در این خصوص چه اقدامی کرده است ؟ خود بنده عرض میکنم مبلغ سیصد تومان از بابت حقوق رئیس استیناف قرارشدوحواله شد که بمردم بدهند ودادند ولی چون مبلغ مأخوذه بالغ برپنجهزار تومان بود بچند نفرتومانی یکی دوقران دادند وبیقیه چیزی داده نشد .

خواستم بدانم وزارت عدلیه چه اقدامی در این باب کرده وجواب مردم راچه خواهند داد؟

وزیرعدلیه درچهال خال قبل یك نفری ازطرف وزارت عدلیه بسمت ریاست استیناف همدان مأمورمیشود وبهمدان میرود وبنده بموجب صورتیکه به دست آورده ام تقریباً نهصد وبیست وچهارتومان ایشان وجوه و ودیعه استیناف را گرفته اند بعد وقتیکه ایشان منفصل واحضارشدند باشخصیکه بعد ازایشان رفته است مقام محاسبات خود را تفریق کرده ورسید گرفته اند وبعد شخص اولی تسلیم ایشان شده بود یك مقداررا نقد پرداخته اند ویك مقداررا حواله کرده اند بمالیه ومالیه پرداخته است

وبنده تاکنون ندیده ام کسی بیاید و رسماً شکایت کند بوزارت عدلیه و تقاضا کند حقوقیکه ازآنها بعنوان ودیعه عدلیه درهمدان گرفته شده است مسترد دارند و یك همچو کسی تاکنون نیامده است واگر یك اشخاصی هستند خوب است قبوض خود را بوزارت عدلیه فرستاده و وزارت عدلیه رسیدگی کند اگربیش اشخاص مانده است البته میگیرند وردمیکنند وآیا راجع بوجوه ودیعه که قبض شخصی داده اند سابق براین عدلیه اینطورمنظم نبود وشایدغالباً آقایانی که اهل ولایات هستند میدانند درولایات عدلیه ها سابقاً اینطورمنظم نبودولی قانوناً وجوه ودیعه باید بصندوق عدلیه برسد که پس ازختم مذاکره بحکم محکمه بیکی از طرفین داده شودواین شکایاتی که فرمودند مربوط بسالهای گذشته است واز پارسال تا حالاازروی قانون رفتارشده است وکسی هم شکایت نکرده واین شکایات مال سابق است

وسابقه اش هم این بود که عرض کردم .

حاج میرزا عبدالوهاب- متاسفانه آقای وزیرجواب سؤال بنده راآنطوری که باید بدهند ندادند برای این که بنده سؤال کردم وزارت عدلیه چه مجازاتی برای ایشان بجزترفیع رتبه منظور کرده است و چه اقدامی کرده است نمیدانم آیا آنوقت مشروطه نبوده ویادرمملکت قانون نبوده بعلاوه این که میفرمایند نهصدتومان وخورده ایست درست نیست زیرا الآن متظلمین هستندواز بس شکایت کرده اند دیده اند کسی بشکایت آنها ترتیب اثر نمیدهد ول کرده اند و اگر به دوسیه عدلیه رجوع شود معلوم میشود چه قدرخسارت کشیده اند وحالا بعضی ازآنها اشخاصی هستند ازقبیل محاکمه بین آقا سعید و آقاکریم نام و همچنین چندین فقره دیگرازقبیل حاج غلام حسین وحاج درویش واستاد رجب وغیره است که اینها شکایت کرده اند و تقریباً متجاوز از پنج هزارتومان ازمردم گرفته اند و قبض شخصی داده اند .

در هرصورت بنده عرض میکنم بایداین وجوه درصندوق مالیه باشد اگر میفرمائید صندوق مالیه مرتب نبوده که بصندوق مالیه بدهند پس لااقل خوب بود درصندوق اداره عدلیه میماند وقبض دولتی میدادند نه اینکه بقبض شخصی این پولهارا بگیرند بهرحال باقبض شخصی معلوم نمیشود که همان پنج هزار تومانی است که بنده عرض کرده ام یانهصدتومانی است که آقای وزیر عدلیه فرموده اند و دد خاتمه سؤال نمودم از اقدامات دولت در خصوص مجازات این شخص جالا هم خوب است آقای وزیر جواب بفرمایند.

وزیر عدلیه- بنده عرض کردم نهصدو بیست وچهار تومان بموجب صورتیکه از عدلیه همدان داده بودند درطهران رسیدگی شده است واین قضیه ختم شده است حالا اگر یك اشخاصی یك شکایتی دارندوشکایتشان وارد است باید قبوض ارائه بدهند که مطابق آن قبوض رسیدگی شود والابدون داشتن قبض ازآن شخص وزارت عدلیه نمیتواند رسیدگی کند.

رئیس- آقای عراقی.

(اجازه)

عراقی- بنده سؤالی ازوزارت عدلیه نداشتم .

رئیس- راجع به نجفقلی خان کرد خوردی ....

عراقی- بلی بنا باشد آقای وزیرعدلیه خودشان تصفیه کنند لهذا عجالتاً بنده ساکتم تاتصفیه کنند.

رئیس- آقای هرمزی

(اجازه)

هرمزی- چون در جلسه قبل سؤالی که ازآقای وزیرعدلیه راجع بیك شخصی

کردم ایشان جواب فرمودند که اقدامات متوجه بقانون بودبرای اینکه بایشان تذکر بدهم که خیلی خلاف قانون میشود بعنوان تذکر چند فقره را عرض میکنم به بینم جواب میدهند یکی راجع بانحلال عدلیه عربستان است که ایشان برخلاف قانون عدلیه عربستانرا منحل وپس ازمدتی مجدداً تشکیل داده اند خواستم ببینم مطابق چه قانونی اینکار را کرده اند و یکی هم راجع بتوقیف ارباب جمشید وفاضل عراقی است که قبل از صدور قرار مستنطق در توقیف آنها از مقام وزارت حکم توقیف آنها شده وپس ازآنکه مستنطق قرار توقیف آنها را صادر کرد و در دیوان تمیز هم تنفید شدبعد بحکم وزارت عدلیه آنها از توقیف خارج شده اند این توقیف آنها برخلاف قانون بوده وهمچنین از توقیف خارج نمودن آنها هم برخلاف قانون بوده است .

یکی اینکه جوان نامی است که امین صلح بوده و بدون اینکه کمیسیون ترفیع رتبه تصدیق کرده باشد اورا برای ریاست عدلیه گیلان انتخاب نموده اند .

یکی دیگر راجع بمیرزامحمدعلیخان اوحدیست که مدتیست ایشانرا بمدعی العمومی فارس انتخاب کرده اند ودراین مدت ایشان دراینجا بیکار ویك اداره تفتیشی برخلاف قانون درست شده ودرآن اداره مشغول کار است ومدعی العموم هم بفارس فرستاده نشد اگر باید فارس مدعی العموم داشته باشد چرا تاکنون ایشان نرفته اند واگرهم باید نداشته باشد ایشان بچه مناسبت مدعی العموم فارس در اینجا حقوق می گیرند یکی هم راجع بانحلال صلحیه دولت است که آنجا را هم بر خلاف قانون منحل کرده اند وبعداز چند روز دوباره تشکیل دادند ...»

آقا سید یعقوب - سؤال است یا استیضاح؟

هرمزی- سؤالست . میخواهم بفهمم اینها برای چه شده وبنده اینها را خلاف قانون میدانم ایشان جواب بدهند تامعلوم شود اینها خلاف قانون هست یا نیست .

وزیر عدلیه- اولا مسئلهٔ انحلال عدلیه خوزستان را بنده بکلی تکذیب میکنم عدلیه خوزستان منحل نشده و بنده هم آنجا را بهمان حالت سابق خودش برقرار کرده ام منتهی چیزی که شده اینست که رئیس و مدعی العموم آنجا تغییر کرده و دلائلش راعرض میکنم:

البته آقایان مطلع هستند که قبل از اینکه قشون دولت بخوزستان برود ترتیب مأمورین خوزستان بچه نحو بوده. مأمورین دولتی ازدولت ایران حقوق میگرفتند و عوض اینکه بروند وخدمات خود را انجام بدهند میرفتند در تحت نفوذ شیخ خزعل واطاعت امراورا مینموده اندو تقریباً نوکر شیخ خزعل بوده اند دخالت شیخ خزعل راهم بنده نمیخواهم این جا شرح بدهم زیرا خارج از موضوعست بعداز آنکه دولت قشون فرستاد بخوزستان برای امنیت آنجا همچو تصمیم گرفت که مأمورین آنجا راکه سابق تمام نوکر های شخصی شیخ خزعل بودند یعنی آقای رئیس الوزراء فرمودند بعدازاین مأمورین که آنجامیروند باید مستخدم و نوکر دولت باشند و خدمت بدولت خودشان بکنند ووظائف خودرا انجام بدهند بنابراین تصمیم گرفته شد که تمام مأمورین خوزستان تغیر کند و بجای آنها مأمورین خدمتگذار بوطن خودشان انتخاب شوند برحسب این تصمیم تمام مأمورین مأمورین خوزستان تغییر کرده اندمن جمله مأمورین عدلیه مامورین عدلیه خوزستان راکه ناظم الممالك بود احضار کردیم آقا سید احمد کسرائی راکه یکی ازمأمورین صحیح العمل لایق امتحان داده است برای آنجا انتخاب کردیم با ماهی شصت تومان تفاوت حقوق برای اینکه هیچکس نمیرفت آنجا باآن هوای گرم وبد عربستان مگر اشخاصی که ازشیخ خزعل منتفع شوند چون ما میخواستیم یك اشخاصی بروند آنجا که حقیقتاً مستخدم دولت باشند اول فکر کردیم که حقوقی بآنها بدهیم که محتاج ببعضی قسمتها وهمراهی بعضی اشخاص نباشند . و بنده گمان میکنم که این مسئله باید محل تحسین مجلس باشد نه اسباب ایراد همینطور مدعی العموم آنجا را هم تغییر دادیم ومیرزا فضل الله خان نامی که در کرمانشاه بود با چهل تومان اضافه حقوق اورا هم فرستادیم به آنجا که محتاج ببعضی قسمتهای دیگر نباشد وباین تفصیل راضی نیستند و نمیخواهند برگردند.

اما راجع بآنشخص که احضار شده اگربرحسب شکایت او این اظهاررامیکنید بریروز که ازعدلیه بیرون میآمدم بمن اظهار کرد که من هزار وپانصد تومان ازخوزستان تا طهران متضررشده ام من خیلی اسباب تعجبم شد که یك مأمورعدلیه که حقوقش کمتر ازصد تومان است چطور برای یك مسافرت موقتی هزاروپانصد تومان متضرر شده است

اینرا که گفتم گفت من بیست هزار تومان اثاثیه دارم پنجاه هزارتومان علاقه . این بیشتر بر تعجب بنده افزوده برای اینکه یك قاضی درجه سوم در خوزستان که چند سال هم بیشتر نیست در عدلیه است چطور صاحب هفتاد هزار تومان دارائی است این طرزاعتراضات هم بیك وزیری که فقط میخواهد خدمت بمملکت کند میدود ودومرتبه هم حکومت کرده ومأموریتهای مهم نموده ام شاید شش یك اموالی که این شخص ادعامیکند نداشته باشم وبعضی از آقایان معاشرت با بنده کرده اند ومیدانند که شاید بنده هزارتومان اثاثیه ندارم .

یك وزیرعدلیه باندازهٔ پانصد تومان اثاثیه بیرونی ندارد آنوقت یك قاضی درجهٔ سوم ادعا میکند بیست هزار تومان اثاثیه دارم وبمن میگوید اگر شما منزل من بیامده اید معاون وزارت عدلیه آمده است ودیده است آیا باین ترتیب وبااین تفصیل باز باید تأمل کرد وهمچو قاضی رادرهمچو سرحدی مثل خوزستان باقی گذارد وهمینطور بحال لاتکلیفی گذارد وچشمرا روی هم گذاشت که هرخیانتی میشود بشود ودولت هم صرف نظر کند ؟

بنده میگویم بلی دولت اینکار کرده است ولی برای حفظ سرحدی مثل خوزستان وبنده اباوامتناعی ندارم ومیگویم درموقعی که برای حفظ مملکت باید اقداماتی بشود وزراء درصورتیکه دلایل موجه داشته باشند قانونرا میگذارند در صندوق ومملکت را اداره میکنند ..

آقا سید یعقوب صحیح است.

وزیرعدلیه - بعد ازاینکه مملکت مستقر شد رفع آن میشود. البته قانون مقدس است چه قانون آسمانی باشد وچه قانون مملکتی باید همه اطاعت کنیم بایدهمه مان حافظ ومجری قانون باشیم.

راجع بقسمت انحلال عدلیه خوزستان بنده تکذیب میکنم واحضاراین این دونفر هم بهمین علتی بود که عرض کرده ام و اما راجع بتوقیف ارباب جمشید وفاضل عراقی آنرا متاسفانه چون بواسطه اوضاع بعداز حمل باینطرف نتوانستم تعقیب کنم میگذارم برای بعد جواب عرض می کنم .

راجع بمیرزا جعفر جوان که رئیس عدلیه گیلان شده است این شخص امین صلح نبوده سابق درتبریز عضواستیناف بوده وقتی که ازآنجا احضارشده وخدمت دیگری باورجوع کرده اند باو نوشته اند باحفظ رتبه سابق کسی که عضو استیناف بوده و بواسطه یك پیش آمد هائی که درگیلان شده بنده نمیخواهم این جاعرض کنم که شایدصلاح نباشد ما مجبور شدیم رئیس عدلیه گیلان را احضار ویك نفر دیگررا که قدری سلیم النفس تر باشد بآنجا روانه کنم چون در محل یك حب و بغضهائی تولید شده و شاید یك مفاسد دیگری هم داشت که آن مفاسد راملکن است درمجلس خصوصی عرض کنم) بنده میرزا جعفر جوانرا فرستادم بگیلان الان هم همه مردم راضی هستند وکسی هم شکایت نکرده است از ایشان و بهیچوجه خلاف قانون نشده برای اینکه ایشات درطهران عضودرجه اول بدایت ودرآذربایجان عضو استیناف بوده اند .

راجع بمیرزا محمد علیخان اوحدی هم که مدعی العموم فارس شده است پارسال او مدعی العموم فارس شد وبعد بواسطه یك مخالفت هائی که از طرف والی وقت شد و او در این جابکاردیگر که مهم بوده مشغول گردیدو این بواسطه این بوده که یك مسأله مهمی پیش آمد کرده بود راجع بملزومات چون این یك مسأله مهمی بوده که اگر آقایان بخواهند مطلع شوند یك کمیسونی ممکن است تشکیل بدهند ورسیدگی کنند وببینند که من حق داشتم ودر اینجاخدمت کرده ام یاخلاف قانون نموده ام . حاج میرزا محمد علی خان اوحدی را که محل اطمینان بنده است فرستاده ام رفته است وتحقیقات وتفتیشات کرده وتفتیشات اوهم خیلی جالب توجه است وبنده گمان میکنم اینجاهم خدمت کرده ام .راجع بانحلال صلحیه دولت . بلی این جا هم منحل شده است ولی موقتاً برای اینکه یك شکایت های زیاد دائماً از فقیه صلح میشد ولی چون یك ترتیبی پیش آمده بوده وواسطه زیاد داشت نمیتوانستم اورا مفصل کنم لهذا صلح دولت موقتاً برطبق قانون منحل شد و بعد دو مرتبه رئیس صلح وآن اعضاء صحیح العمل برجای خودشان قرار گرفته وفقیه صلحرا هم اگر مایل هستند ممکنست در کمیسیونی که مجلس برای اینکار معین می کند بیایند رسیدگی کنند وببینند چه فضاحتی در آنجا مرتکب شده اشت .

هرمزی- آقای وزیر عدلیه فرمودند من عدلیه عربستانرا منحل نکرده ام بعد تصدیق کرده اند که منحل کرده و این انحلال برخلاف قانون بوده ولی مقتضیات وقت ایجاب مینمود که خلاف قانون بشود وآقای آقاسید یعقوب هم گفتند صحیح است وتصدیق کرده .

آقاسید یعقوب تصدیق نکردم دوسیه اش در کمیسیون هست تشریف بیاورید ببینید .

هرمزی- تصدیق فرمودند که این اعمال شده واینها برخلاف قانون بوده است وبنده تقاضا میکنم که ترتیبی بفرمائید که خلاف قانون درعدلیه نشود زیرا اسباب ابطال حقوق مردم میشود واسباب اعدام مردم است برای اینکه عدلیه مهمتر از سایر وزارتخانه هاست اگر چه جواب های ما تمام بلا اثر می ماند وما هرچه سئوال می کنیم آقای وزیرعدلیه جواب دیگری میدهند.

رئیس - قسمت اخیر ازحالت سئوالی خارج بود.

وزیر عدلیه -بنده بازهم تکذیب می کنم . عدلیه خوزستان منحل نشده است

وفقط آندونفر بجهات سیاسی مملکتی و حفظ استقلال مملکت تغیر کرده اند و اسم اینرا نمی شود منحل گذارد واگر جنابعالی راجع بیك مسائلی از بنده دل تنگی دارید این مسأله را تعقیب نکنید برای اینکه این مسأله خدمت بملکت بوده است.

وزیرمالیه - نظر باینکه هنوز بودجه های مملکتی از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته است ومخارج مملکتی دچار وقفه واشکال خواهد شد لهذا لایحهٔ تهیه شده است که یك دوازدهم ازبابت مخارج مملکتی مطابق حوت گذشته بوزارت مالیه اجازه داده شود یك پیشنهاد دیگریست راجع بیکهزار وپانصدو بیست و چهار تومان مستمری که در دفتر مستمریات باسم ورثه حاج علی بابای تبریزی به خرج میآمده است نظر باینکه این پول درمقابل هشتادهزار تومانی بوده است که در زمان مرحوم محمد شاه ومرحوم ناصر الدین شاه بدولت داده است وتابع مستمریات عمومی نمیشود ودرازاء یك طلبی داده می شود که تومان تومان همیشه پرداخته شود. یك لایحهٔ دیگری است راجع بیك شخصی که اغلب آقایان می شناسند و همه روزه درمجلس است و آن آقا شیخ صادق مفلوج است که حقوقی از وزارت معارف داشت بواسطه قانونی که درسال گذشته از مجلس شورای ملی گذشت یعنی قانون استخدام یك اشکالاتی پیش آورده که مجبور به پیشنهاد علیحدهٔ شدیم.

یك لایحهٔ دیگری است راجع به کلنل ماکرماك امریکائی وقتی که دولت اورا استخدام کرد بعنوان پیشکاری مالیه ولایات استخدام کرد بهفت هزارو پانصد دولار حقوق ونظر باین که مشاوالیه در حدود استخدام خودش خدمات شایان کرده و لیاقت بخرج داده و صرفه جوئی کرده است نسبت بدولت لهذا پیشنهاد میشود که حقوق او هم مثل سایر مستخدمین آمریکائی سالی ده هزار دلار باشد .

این هم یك پیش نهادی است ازطرف وزارت امور خارجه راجع به شانزده نفر مستخدمین پیر وقدیمی آنوزارتخانه این ها اشخاصی هستند که درسنوات قبل در جزء بودجه وزارت خارجه یك شهریه هائی داشته اند پرداخته میشد نظر باین که بعد ازگذشتن قانون استخدام موافق ترتیب قانون استخدام خدمات اینها با قانون مزبور موافقت نداشت سال گذشته وزارت خارجه از محل بودجه خودش ترتیب محل پراخت او را داده است او برای اینکه ترتیب محل پرداخت آن در امسال داده شود پیشنهادی شده است که در کمیسیون رسیدگی شود.

رئیس - این لوایح ازسال می شود بکمیسیون بودجه . دو فقره راپرت

کمیسیون عرایض رسیده است قرائت میشود •

(راپرت کمیسیون عرایض مرخصی راجع بمرخصی یکماهه آقای سپهدار اعظم بشرح ذیل قرائت شد)

آقای سپهدار اعظم بعلت تألمات وابتلای بیارهٔ امراض بتجویز اطباء بشمیران انتقال یافته وتقاضای یکماه مرخصی برای استعلاج نموده وضمناً حقوق یکماهه خود رابکتاب خانه مجلس اختصاص داده اند کمیسیون غیبت یکماهه ایشانرا تصویب مینماید.

رئیس- باید رای گرفته شود•

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند)

(اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد•

راپرت دیگری است قرائت میشود:

(راپرت کمیسیون عرایض راجع بمرخصی چهل روزه آقای شیخ عبدالرحمن (بشرح زیر قرائت شد)

آقای آقا شیخ عبدالرحمن بواسطه ابتلای بمرض کبد کتباً تقاضای چهل روز مرخصی نموده بودند• کمیسیون با مشاوره تصویب مینماید که ازدهم سرطان تا مدت چهل روز برای استعلاج آقای آقا شیخ عبدالرحمن غیبت نموده ودرمدت مزبوره غایب با (اجازه ثبت شوند•

رئیس- رأی گرفته میشود. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند •

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد.

جلسه ختم میشود جلسه آتیه را از طرف آقای سردار معظم پیشنهاد شده است عصر قرار دهیم•

آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تذکر میدهم خاطر آقای سردارمعظم را که خودشان عصر در کمیسیون گرفتارند و گمان میکنم سایر آقایان هم گرفتار باشند و اگر عصر بیکار بودیم عیب نداشت ولی چون گرفتاریم وکاردر کمیسیونها زیاد است خوبست و پیشنهاد خود رامستردارند•

سردارمعظم - بنده اصراری ندارم که جلسه عصر باشد تصورمیکردم که مطلبی مطرح شده است ویك سلسله حرفهائی که درخورهر کس گفته شده است باید زود ترجواب داده شود ولی حالا اصراری ندارم روزسه شنبه جواب میدهم•

رئیس جلسه آتیه روزسه شنبه• دستور اولا اعتبارنامه آقایان امیراحتشام نظام التولیه سردارنصرت ونراقی بعد پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بصورت مشروح مجلس در درجه سوم سه فقره راپرت کمیسیون مبتکرات راجع بصحیه • ودیعه استینافیه چمن کمال آباد دردرجه چهارم لایحه کمیسیون بودجه راجع بحقوق متقاعدین وزارت جنك بعدلایحه الصاق تمبر بعرضحال وغیره وراپرت کمیسیون و راپرت قوانین مالیه آقای حاج عزالممالك• (اجازه)

حاج عزالممالك- اگرچه دستور مفصل است ولی بنده تقاضا میکنم که موضوع دیگری را هم جزء دستور بگذارند که اگر موقع نشد جزو دستود بعد شود وآنراپرت دیگر کمیسیون قوانین مالیه است راجع بنمایشگاهها آنرا هم خواهش میکنم جزو دستور گذارند •

رئیس-لایحه الصاق تمبر را عرض کردم •

حاج عزالممالك - دوفقره بود•

رئیس- درصورتیکه وقت باقی باشد این دولایحه هم جزودستورمیشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم این لایحه که ازطرف آقایان حجج اسلام راجع بطرازاول رسیده وجزودستور بود نمیدانم چه شد که ازدستورخارج شد استدعا میکنم جزودستور بگذارید که تکلیفش معلوم شود•

رئیس-مگرجلسات قبل تشریف نداشتند که مراجعه بشعب شد شعبات باید تشکیل شود تا تکلیف این لایحه و سایر لوایح دیگرمعلوم شود•

آقای حائری زاده•

(اجازه)

حائری زاده - درجلسه سابق سؤالی داشتم ازوزارت عدلیه اجازه ببنده داده شد ولی دقت نشد....

رئیس - راجع بدستوراگر فرمایشی دارید بفرمائید•

حائری زاده اینهم که عرض میکنم راجع بدستوراست چون خواستم تقاضا کنم که بآقایان وزراء تذکر داده شود که درجلسه بعد برای جواب سئوالات حاضر شوند•

رئیس آقای کازرونی.

(اجازه)

کازرونی- عرضی ندارم.

رئیس- آقای قائم مقام

(اجازه)

قائم مقام - بنده هم عرضی ندارم .

رئیس- آقای تدین

(اجازه)

تدین- باچیزهائی که در دستورمعین شد مخالفتی ندارم ولی راجع بروز سه‌شنبه عرضی دارم چون کمیسیون فقط بنااست روز سه‌شنبه تشکیل شود ودوماده هم بیشتراز آن باقی نمانده وبعلاوه ازنقطه نظراینکه شاید جلسه علنی به‌پنجشنبه موکول شود کمیسیون را برای روزسه‌شنبه خبر کرده اند این است که بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتیه باهمین دستور بروز پنج‌شنبه موکول شود•

(یك نفر از نمایندگان - عصر سه شنبه جلسه شود)

رئیس-ابتدا رأی به پنج‌شنبه بعد بعصر سه‌شنبه. آقایانیکه پنج‌شنبه را تصویب میکنند قیام فرمایند،

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد • پس جلسه روزپنج شنبه است آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم که اگر راپرت کمیسیون نفط تا پنج شنبه حاضر می‌شود مقدم در دستور باشد.

رئیس-آقای اخگر.

(اجازه)

اخگر- راجع بکمیسیون نظارت درجمع وخرج مملکتی و راجع بقانون بلدی که امروزجزودستوربود چون مجال نشدامروز از آنها مذاکره شود استدعا میکنم جزو دستور جلسه آتیه گذارده شود که اگردر آن جلسه دقت نشد درجلسات بعددردستور بیاید •

رئیس-آقای شریعت مدار

(اجازه)

شریعتمدار- بنده هم راجع به لایحه آقایان علماء اعلام که آقای حاج میرزا عبد الوهاب فرمودند خواستم عرض کنم •

رئیس - آقای سردارمعظم

(اجازه)

سردار معظم - عرض بنده راجع بدستور نیست راجع بکمیسیون قوانین مالیه است که میخواهم عرض کنم.

رئیس - اگر مجلس اجازه می‌دهد بفرمائید •

(بعضی از نمایندگان جلسه ختم شده است)

سردار معظم - یك مطلبی است که مجلس شورای ملی منتظر است زودتر راپرت آن بمجلس بیاید و در کمیسیون هم مذاکره شد که هرچه زودتر راپرت آن بمجلس فرستاده خواهد شد و چون کمیسیون تأخیری درتقدیم این لایحه کرده است خواستم علت را بعرض مجلس شورای ملی برسانم وضمناً از آقای وزیر مالیه سئوال کنم لایحه ممیزی را که گویا هیئت وزراء فرستاده اند چرا زودتر بمجلس نمیفرستند .

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب- بنده نمیدانم دو سئوال چقدر باید طول بکشد ودر نظامنامه یك ماده مخصوصی راجع باین موضوع نیست تقریباً دوماه میشود که بنده سئوالهائی کرده‌ام و آقایان وزراء یا برای جواب حاضر نشده‌اند یا اگر حاضر شدند مجال برای دادن جواب نشده‌است تمنا میکنم امر بفرمائید یا احضار بفرمائید که تشریف بیاورند و جواب سئوالات را بدهند که لااقل از یك ماه که مدت برای استیضاح است جواب سئوال بیشتر طول نکشد.

(مجلس سه ربع بعدازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملك

جلسه ۳۳

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه دوازدهم برج سرطان ۱۳۰۳ مطابق بیست و نهم ذی قعده ۱۳۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم یکشنبه هشتم سرطان را آقای آقامیرزا شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزاعبدالوهاب بعداز صورت مجلس عرضی دارم

رئیس نسبت بصورت جلسه مخالفی نیست؟

آقا سیدیعقوب - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس نوشته‌شده صلح‌دولت خوب است بنویسند صلحیه‌دولت

رئیس اصلاح میشود

آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع بچه‌مطلب است ؟

حاج‌میرزا عبدالوهاب - عرض بنده راجع بطرازاول بود که بنابود جزودستور بشود خواستم ببینم راپرتش ازشب آمده است یاخیر وجزودستور خواهد شد یانه؟ یکی‌هم‌راجع‌بآن کمسیونی بود که‌برای رسیدگی بعرضحال نواقل معین شده بود خواستم ببینم‌راپرتش‌رابمجلس تقدیم کرده اندیاخیر؟

رئیس-اولا بنانبود که‌وقتی‌امری‌بشعبات مراجعه‌میشود راپرت بدهند برای‌این‌مراجعه میشود که‌تبادل‌نظر بشودودرز واقع وقتی که‌لایحه‌جزودستور میشود خاطر آقایان باشد بعد مطرح شود •

ثانیاً راجع‌بآن کمیسیونی که میفرمائید آن کمیسیون برای رسیدگی بعرض حال راجع بنواقل نبود وراجع بمطلب‌دیگری بود •

راجع بامری بود که مربوط‌بنظامنامه بود وحالا هم کمیسیون مشغول مذاکره است •

حاج میرزا عبدالوهاب - پس بنده استدعایم این است که طرازجزء دستور بشود •

رئیس - آقای عراقی

(اجازه)